



دفع تجاوز

هجوم سراسری ارتش رژیم عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران و اشغال مناطق مرزی و تثبیت مواضع و تغییر ساختارهای شهری، این باور را در اذهان جهانی پرورش داد که خروج عراق جز با تصمیم جدی مجامع بین‌المللی و امتیازگیری سنگین رژیم عراق از جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد بود. از آن طرف در ایران بویژه در اندیشه امام راحل(س) امید بستن به دیگران امری بیهوده به حساب می‌آمد و نیز تکیه بر مؤلفه‌های خودی در خروج دشمن و تنبیه متجاوز تصمیم قطعی امام خمینی(ره) شده بود و در این جهت تقویت توان دفاعی کشور و ایجاد عوامل آن قبل از هر چیز مورد توجه قرار گرفته است.

افزایش توان دفاعی

مهمترین عوامل افزایش توان دفاعی نیروهای مسلح و آحاد ملت برای مقابله با دشمن متجاوز عبارتند از:

۱- فرماندهی امام راحل(ره) با حذف بنی صدر

ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت ایران که مسئولین فرماندهی کل قوا را نیز از طرف امام راحل(س) به عهده داشت، در دوران اشغال اراضی ایران نه‌تنها اعتقادی به سازماندهی نظامی برای مقابله با تجاوز نداشت، بلکه بیشتر به حرکت‌های دیپلماسی در حل مناقشه روی آورد، و همانطور که گفته شد بنی‌صدر از این غائله مرزی در جهت مقابله با نیروها و جناح‌های رقیب داخلی برآمد، تا اینکه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۶۰/۳/۳۱ رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داد و جناب حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت طی نامه‌ای مراتب را به

استحضار امام راحل (س) رساند.

امام در پاسخ فرمودند:

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.^۱

همچنین امام راحل (س) طی نامه‌ای به ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار نمودند.

امام راحل (س) در آن شرایط حساس به خوبی دریافت که شخصاً باید جنگ را فرماندهی کند و این کار آثار و برکات فراوانی داشت که مهمترین آنها عبارتند از:

الف - تأثیرپذیری مردم ایران بویژه جوانان از فرامین امام راحل (س) به عنوان تکلیف شرعی و الهی.

ب - ایجاد سرور و شادمانی در رزمندگان جبهه‌های نبرد بویژه فرماندهان که امید و انگیزه آنها را برای دفع تجاوز در حدی غیر قابل تصور بالا برد.

ج - ایجاد خودباوری و فضای معنوی در کشور و تقویت انگیزه جهاد و روحیه شهادت‌طلبی در همه آحاد ملت.

د - جدی تلقی شدن جنگ به عنوان مسئله اولکشور از سوی مردم ومسئولین نظام بویژه نیروهای مسلح.

۲ - حذف تفکر لیبرال‌ها در تصمیم‌گیری و رویکردی کلاسیک به جنگ

لیبرال‌ها که در روزهای آغازین تجاوز، قافیه نبرد را به صدام باختند، نه تنها از شیوه‌های کلاسیک نظامی حمایت نمی‌کردند، بلکه اعتقادی به صرف هزینه مالی و نیروی انسانی یا تجهیز سازمانهای رزمی به هیچ وجه نداشتند. نهضت آزادی ایران به عنوان نماد تفکر لیبرالی در بیانیه‌های خود با طرح مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه‌های نظامی کشور ورد به نبردی کاملاً کلاسیک نظامی را غیرممکن می‌دانست، و گرفتن زمان از دشمن در مقابل زمین را بر هر کاری ترجیح می‌داد.

بنی‌صدر که تحت تأثیر این تفکر قرار داشت، در سخنرانی و سالگرد انقلاب اسلامی خاطرنشان کرد:

بیکاری نسبت به سال گذشته افزایش یافته، تورم ۳۵٪ بوده و منابع ارزی ما تا حدود چهار میلیارد دلار برای دو ماه آینده کاهش خواهد داشت. وضعیت مالی بسیار نگران‌کننده است.^۲

بنی‌صدر با بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی در این صدد بود که به مردم بفهماند مسئله اول ما جنگ نیست و یا با این معضلات اقتصادی عملاً سرمایه‌گذاری در زمینه جنگ ناممکن است. ناگفته نماند که همه نیروها و احزاب مخالف خط امام راحل (س) از این تفکر مأیوس‌کننده حمایت می‌کردند و بنی‌صدر با این پشتوانه دقیقاً در مقابل اصرار فرماندهان جنگ مبنی بر سازماندهی نظامی نیروها و حتی توسعه سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مقاومت می‌کرد.

امام راحل (س) با حذف بنی‌صدر و طرد تفکر لیبرال در تصمیم‌گیری، حرکت مؤثری را در جهت افزایش توان دفاعی نیروها رقم زد، بویژه این مؤلفه در شکل‌گیری توسعه رزمی سپاه پاسداران و استقلال فرماندهان آن در تصمیم‌گیری نقش بسزایی داشته است و این واقعیت حتی از دید کارشناسان خارجی پنهان نماند.

با رفتن بنی‌صدر پاسداران انقلاب، ابتکار عمل در جبهه‌ها را در دست گرفته و ضعف‌های خود را با احساسات جوشان خود پوشاندند.^۳

البته احساسات جوشان از دید کارشناسان خارجی، همان عنصر ایمان و عشق به شهادت و فداکاری در راه خدای محبوب است که به حقیقت می‌توان آن را جوهر مقاومت در طول هشت سال دفاع مقدس نامید.

۳ - تجهیز گروه‌های مردمی (بسیج)

طنین استمداد امام راحل (س) در دفاع از اسلام و نظام جمهوری اسلامی، آهنگ جاودانه‌ای در جان ملت ایران بویژه جوانان غیرتمند این مرز و بوم به وجود آورد؛ به گونه‌ای که در پی فرمان

مقتدای خود سراسیمه به سوی جبهه‌های نبرد شتافتند و فراگیری آموزش نظامی و حضور در صحنه‌های پیکار دغدغه هر جوان مسلمان ایرانی بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود مولود بسیج مردمی است، مأموریت آموزش و سازماندهی نیروها را عهده‌دار شد، و در فاصله زمانی بسیار کوتاه توانست با برنامه‌ریزی دقیق، حضور کلاسیک این نیروها را در جبهه‌های نبرد نشان دهد. به طوری که ترکیب اصلی نیروهای عمل‌کننده در دفاع شامل:

- ارتش جمهوری اسلامی ایران

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

- نیروهای داوطلب بسیج

- نیروهای جنگ‌های نامنظم که از آرزوهای آغازین تجاوز ارتش عراق به همت و هدایت شهید عزیز دکتر چمران شکل گرفت و آزادی سوسنگرد با نام این شهید عزیز عجین شده است. البته این غیر از مراکز و یگانهای پشتیبانی‌کننده هستند که در پشت جبهه و به طور کلی در همه شهرهای ایران سازماندهی شدند.

بهره‌مندی از این نیروها در مقابله با تجاوز آثار محسوس خود را نشان داد و حتی محافل خارجی به قدرت تجهیز ایران اعتراف کردند که نمونه‌ای از آن را در اینجا می‌آوریم:

بنا به دلایلی عراق در آغاز جنگ پیشرفت خوبی کرد، اما هنگامی که ایران تجهیز شد،

پیشروی آن متوقف گردیده برای انجام یک حمله علیه مواضع مستحکم و ثابت

برتری لااقل سه به یک لازم است و حتی برتری پنج به یک توصیه می‌شود و ایران

سرگرم تغییر موازنه برای ایجاد یک حالت یک به یک در جبهه است.^۴

امام راحل(س) که بعد از اتکال به خداوند متعال، تکیه بر ایمان مردم را در پیروزی انقلاب

اسلامی تجربه کرده بود، این بار با همان انگیزه مردم را به صحنه دفاع مقدس فرا خواند و این

فراخوانی و حضور مردم به قدری باشکوه بود که علاوه بر دوستان اعجاب افکار جهان را

برانگیخت، به گونه‌ای که همه ناکامی رژیم عراق را در فرماندهی امام راحل(س) و حضور

یکپارچه مردم ایران در اطاعت از فرامین معظم‌له دانستند:

آنچه را که رهبران عراق از نظر دور داشتند، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و

جمع آمدنشان به دور مظاهر انقلابشان، امام بود که هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی هستند.^۵

همچنین تدبیر امام خمینی (س) محاسبه کارشناسان سیاسی و نظامی را که سقوط زودهنگام جمهوری اسلامی ایران را نوید می دادند، نقش بر آب کرد و صدام حسین هم با همین تحلیل های غلط آتش را برافروخت که سرانجام دامنگیر او و حامیان منطقه ای و بین المللی او گردید. نشریه لس آنجلس تایمز در این باره می نویسد:

کارشناسان سال گذشته پیش بینی می کردند که ایران بر اثر درگیری بین جناح های قدرت دچار بی ثباتی خواهد شد و تجاوز عراق به ایران نیز باعث سرعت بخشیدن به سقوط رژیم امام خمینی می گردد، اما این جنگ برخلاف پیش بینی ما منجر به اتحاد و تقویت ملت ایران شد.^۶

۴ - وحدت بین ارتش و سپاه

ارتش جمهوری اسلامی ایران که به لحاظ نظامی دارای ساختاری تعریف شده بود، لزوماً برای همکاری با سپاه و نیروهای مردمی در جبهه ها نیاز به راههای روشنی داشت که در حوزه استراتژیک و تاکتیک بتواند وحدت رویه ایجاد کند که این کار مهم با سرپنجه تدبیر امام خمینی (ره) و همکاری صمیمانه فرماندهان ارتش و سپاه تحقق یافت. به گونه ای که ناظران و کارشناسان به این واقعیت اذعان نمودند:

ارتش ایران نه تنها خود را منظم و قانونی جلوه گر ساخته است، بلکه خیلی جنگجو و مبارز نیز می باشد، همکاری پاسداران با ارتش موجب پدیدار شدن پیروزیها شده است.^۷

امام راحل (س) به عنوان فرمانده کل قوا به وحدت همه جانبه بین ارتش و سپاه اهتمام خاصی داشت و بدون تردید یکی از عوامل مهم افزایش توان دفاعی را در سایه وحدت ارتش و سپاه

جستجو می‌کرد، تا آنجا که اختلاف ارتش و سپاه را از اهداف امریکا می‌دانست:

اگر روزی میان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اختلاف ظاهر شود، در آن روز امریکا به اهداف خود نزدیک خواهد شد.^۸

در بخش تغییر فرایند دفاعی خواهیم دید که ارتش و سپاه چگونه در یک تعاملی صادقانه مهارت و دانش نظامی و استعداد سرشار و خلاق نیروی انسانی را در خدمت دفاع مقدس قرار دادند و این از آثار و برکات این وحدت و همدلی است؟

۵ - خودباری و اراده ملی

یکی از مؤلفه‌های مهمی که امام راحل(س) به عوامل افزایش توان دفاعی ضمیمه کردند، تقویت خودباوری دینی در آحاد ملت بود که در ایمان به خدا و عشق به شهادت تجلی کرد، و همچنین با استفاده از انگیزه[ای ملی و میهنی، اراده عمومی ملت را پشت سر رزمندگان بسیج کرد. به طوری که همه اقشار ملت از کوچک و بزرگ و پیر و جوان حضوری غیرتمندان در همه صحنه‌های دفاع یافتند. نیویورک تایمز طی مقاله‌ای حیرت خود را در این باره این چنین اظهار می‌دارد:

یک نیروی عجیب و غریب نظامی از سربازان حرفه‌ای، روحانیون، شبه‌نظامیان محلی، و بچه‌های مدرسه‌ای نوجوان سیزده ساله، که همگی با یک التهاب اسلامی شدید به یکدیگر متصل می‌شوند، بن‌بست طولانی جنگ خلیج فارس را با تار و مار کردن نیروهای سنگرگرفته عراقی شکستند.^۹

نقش ایمان و توکل به خدا رزمندگان ما را به حقیقت این آیه رهنمون گشت که فرمود:

إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَحْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ.^{۱۰}

اگر خدا شما را یاری کند، کیست که بر شما غالب آید و اگر خدا شما را ذلیل کند،

کیست شما را یاری کند؟

با علم به این آیه شریف رزمندگان دریافت که عزّت و ذلّت هرکس به دست خدا است، از این رو ایمان خالصانه به او را جوهر مبارزه و جهاد مردانه خود علیه دشمن قرار دادند و بر اساس

همین باور و اعتماد توانستند پیروزیهای بزرگی را رقم بزنند و برتری ایمان بر جنگ‌افزاری مدرن را به اثبات برسانند تا آنجا که خبرنگاران جهانی در عظمت این حمایه نوشتند:

می‌دانیم که ایمان کوهها را جابجا می‌کند. نوجوانان متعصب اخیراً نشان داده‌اند که می‌توانند لشکرهای زرهی را به عقب برانند و یک ارتش مدرن متشکل از ۲۵۰ هزار سرباز را با شکست مواجه سازند.^{۱۱}

خودباوری بزرگترین سرمایه‌ای بود که در دفاع هشت ساله رزمندگان ما به عنوان دستاوردی مهم نصب ملت ایران گردید، و رمز این خودباوری در عنصر ایمان نهفته بود که کارآمدی خود را در چشم‌انداز افکار جهانیان به نمایش درآورد. نتیجه اینکه از مجموعه عوامل یادشده توان دفاعی کشور در شرایطی مطلوب قرار گرفت تا دشمن متجاوز را به سزای اعمال خود برساند، اینک تأثیر این عوامل را در تغییر موازنه قوا و تقویت فرایند دفاعی رزمندگان اسلام پی می‌گیریم.

تغییر فرایند دفاعی با مهمترین عملیات ایران برای بیرون راندن دشمن از خاک ایران

اگرچه در مدت اشغال سرزمین‌ها و شهرهای مرزی ایران، رزمندگان اسلام اعم از ارتش و سپاه و بویژه ستاد جنگ‌های نامنظم در قالب چندین عملیات چریکی مانع پیشروی دشمن شده‌اند و حتی بخشی از اراضی را از اشغال ارتش عراق آزاد نمودند، که از آن جمله آزادسازی شهر سوسنگرد پس از محاصره دوم به فرماندهی سردار پرافتخار اسلام شهید دکتر چمران نمونه‌ای از آن است، اما با تکمیل و تأمین عوامل افزایش توان دفاعی، فرایند دفاع تغییر یافت. به طوری که رزمندگان ما از پوسته دفاعی به در آمده و مشی تهاجمی را در پیش گرفتند، و هدف اول مشی تهاجمی آزادسازی مناطق و شهرهای اشغالی از چنگال دشمن بود.

۱- آزادسازی مناطق اشغال شده

آزادسازی مناطق اشغالی توسط نیروهای خودی طی چندین عملیات صورت گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) عملیات فرمانده کل قوا خمینی روح خد

این عملیات پس از عزل بنی صدر اولین عملیات پیروزمندانه رزمندگان اسلام است که در شرق کارون (جنوب دار خوئین) انجام شد، در این عملیات ضمن وارد آمدن خسارت سنگین به دشمن، به میزان ۳ کیلومتر از مواقع دشمن در منطقه به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

اهمیت این عملیات از آن جهت است که جنگ در مدت فرماندهی بنی صدر به حالت رکود و سردی گرائیده بود و در جبهه‌ها تحرک جدی به غیر از حرکات مقطعی رزمندگان به چشم نمی‌خورد. و حتی سنگ‌اندازیهای بنی صدر و متحدان ضد انقلابی او زحمت‌های جدی و فراوانی را برای رزمندگان فراهم کرده بود. اما عملیات موفق دارخوئین ثابت کرد که عزل بنی صدر نه تنها تزلزل در اراده ملت غیور ایران ایجاد نکرد، بلکه باعث تقویت روحیه رزمندگان در جبهه‌ها گردید.

ب) عملیات ثامن‌الائمه

این عملیات در شمال آبادان به منظور تصرف پل‌های دشمن بر روی رودخانه کارون و تصرف و تأمین جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان اهواز و نیز شکست حصر آبادان و انهدام نیروهای دشمن صورت گرفت.

جوهره اصلی این عملیات فرمان امام راحل (س) بود که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود.» سرانجام رزمندگان اسلام با شکستن حصر آبادان دشمن را در شرق رودخانه کارون به عقب راندند و به همه اهداف از پیش تعیین شده خود دست یافتند. خبر این پیروزی و عقب‌نشینی دشمن به سرعت در رسانه‌های خبری جهان درج شد، به طوری که تایمز مالی اظهار داشت:

عراق دیروز اعلام کرد نیروهای مهاجمش از شرق به غرب ساحل رود کارون ایران

عقب‌نشینی کرده‌اند، لیکن اعلام کرد که در صورت لزوم می‌توانند باز گردند.^{۱۲}

به طور کلی عملیات ثامن‌الائمه (ع) نتایج زیر را در بر داشته است:

۱ - رژیم عراق همواره از حصر آبادان به عنوان کی امتیاز سیاسی برای تحمیل کردن مقاصد خود به ایران یاد می‌کرد که با این شکست، این امتیاز مهم را از دست داد.

۲ - زنگ خطر را برای امنیت دشمن و حامیانش به صدا درآورد و توان بالقوه رزمندگان اسلام

به عنوان دغدغه‌ای جدی برای دشمن مطرح گردید.

۳- اعتماد فرماندهان را در اتخاذ تاکتیک‌های ابتکاری در جنگ افزایش داد.

۴- آسیب‌پذیری دشمن را به خوبی نمایان کرد و کابوس شکست‌ناپذیری دشمن را از اذهان رزمندگان بیرون کرد.

۵- استراتژی بهره‌مندی از نیروهای مردمی در طرح‌ریزی عملیات مورد توجه جدی مسئولین جنگ قرار گرفت.

ج) عملیات طریق‌القدس

این عملیات که به منظور آزادسازی شهر بستان و تأمین مرز و دسترسی به هورالهوریزه طراحی شده بود، دو ماه بعد از عملیات ثامن‌الائمه در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به اجرا درآمده که سرانجام منجر به آزادسازی بستان و روستاهای اطراف آن به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع گردید. خبرگزاری‌های خارجی با این عنوان که ایرانیها شکست پی در پی را تحمل می‌کنند، گزارش دادند:

طبق اظهار دیپلماتهای غربی، ایران شکستی را به نیروهای عراقی در استان نفتی خوزستان واقع در جنوب ایران تحمیل کرده است و موفق به گرفتن شهر بستان در نزدیکی مرز عراق گردیده است.^{۱۳}

مهمترین نتایج عملیات طریق‌القدس عبارتند از:

- ۱- شناخت نقاط ضعف و ناتوانی دشمن به همراه اعتماد به نفس رزمندگان اسلام در اجرای طرح‌های ابتکاری و به‌کارگیری بهینه از امکانات.
- ۲- رسیدن به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و قطع ارتباط جبهه شمالی دشمن با جبهه جنوبی.
- ۳- کارآمدی نیروهای مردمی و بسیج و ایجاد انگیزه در توسعه سازمان رزمی به منظور جذب و هدای آنان به سوی جبهه‌ها.

۴- ایجاد تردید و تزلزل در تصمیم دشمن مبنی بر ارائه حضور در مناطق اشغالی.

۵- به دست گیری ابتکار عمل در جبهه‌ها و سلب فرصت از دشمن در تصمیم‌گیری‌ها.

۶- ایجاد شرایط جدید در صحنه بین‌المللی و فعال شدن هیأت‌های صلح با اصرار و ابرام دشمن بعثی.

د) عملیات فتح‌المبین

با وجود چندین عملیات کوچک در غرب کشور که عمدتاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام داد، عملیات بزرگ فتح‌المبین در منطقه غربی رودخانه کرخه در تاریخ ۶۱/۱/۱ آغاز گردید که سرانجام به تصرف ارتفاعات منطقه و آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی کشور اسلامی ایران منجر گردید.

جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی غرورآفرین در عملیات فتح‌المبین از کلیه خبرنگاران داخلی و خارجی جهت مشاهده پیروزی رزمندگان اسلام دعوت به عمل آورد که غالباً مشاهدات خود را به منابع خبری منعکس نمودند. یکی از نشریات فرانسه در این باره می‌نویسد:

موفقیت ایران در این حمله که فتح نام دارد، توسط خبرنگاران غربی که توانستند به جبهه بروند، تأیید شده است. روزنامه‌نگاران دعوت شده از سوی تهران مشاهده

کردند که نیروهای ایرانی، ارتش عراق را دهها کیلومتر عقب رانده‌اند.^{۱۴}

همچنین نیویورک تایمز نشریه امریکایی خبر داد که صدام حسین طی پیامی از نیروهای سپاه چهارم عراق خواست:

از عقب‌نشینی خطوط دفاعی خود ناراحت نبوده و به وظیفه خود در نابودی قدرت جنگی دشمن عمل کنند.^{۱۵}

بنابراین عملیات فتح‌المبین همانگونه که از نامش پیداست، به قدری روشن و آشکار بود که دشمن برای تقلیل فشار روحی نیروهایش ضمن اعتراب به شکست به دلجویی از آنان می‌پردازد. نشریه ایران آزاد طی تحلیلی در این باره می‌گوید:

چشم‌انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام حسین می‌تواند ملاحظات صرفاً نظامی را بر تمامی منطقه‌ای حاکم کند که اهمیت سیاسی و

استراتژیک آن، بسیار قابل توجه است.^{۱۶}

مهمترین دستاورد عملیات فتح‌المبین عبارتند از:

- ۱ - متخصصان نظامی و سیاسی در غرب، این عملیات را پیروزی بزرگ ایران نامیدند و اعتراف کردند که ابتکار عمل در جبهه‌ها در دست ایرانی‌هاست.
- ۲ - تزلزل روحی و درماندگی نیروهای دشمن در مواجهه با سپاهیان اسلامی، به طوری که عموماً به فرار یا تسلیم مبادرت می‌نمودند.
- ۳ - به هم ریختن کنترل فرماندهی ارتش عراق، به طوری که با داشتن نیرو و تجهیزات و امکانات فراوان قادر به آرایش و سازماندهی نیروها نبودند.
- ۴ - تقاضای برقراری صلح به منظور نجات رژیم بعث عراق مجدداً از سوی حامیان او و یا هیأت‌های صلح مطرح گردید.
- ۵ - نقض بی‌طرفی از سوی کشورهای حامی صدام که با حمایت‌های سیاسی و تبلیغی و ارزی ماهیت پنهان خود را آشکار نمودند.
- ۶ - تقویت قدرت مانور دیپلماسی ایران در منطقه و صحنه‌های بین‌المللی به منظور دادخواهی ملت مظلوم ایران و تنبیه متجاوز.
- ۷ - نمود فزاینده همکاری ارتش و سپاه و پوشش نقاط ضعف در روابط متقابل و ایجاد تحرک و پشتیبانی و حمایت.

ه) عملیات بیت‌المقدس

در سلسله عملیات بزرگ رزمندگان، عملیات بیت‌المقدس از جایگاه خاصی برخوردار است که در منطقه‌ای به وسعت ۶۰۰۰ کیلومتر مربع در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ آغاز گردید و طی ۲۵ روز در سه مرحله، زمان آن به طول انجامید. و از نتایج ارزشمند آن آزادی شهر بندری خرمشهر، شهر هویزه و پادگان حمید و خارج شدن بخش وسیعی از خاک جنوب کشور اسلامی از تیررس آتش دشمن بود.

خبر آزادسازی خرمشهر نه تنها شادی و سرور را در میان اقشار مختلف میهن اسلامی

برانگیخت، بلکه بازتاب خارجی آن حاکی از شگفتی و غیر قابل تصور بودن پیروزی بزرگ برای افکار جهانی بوده است؛ چنانکه نشریه اشتوتگار آلمانی در این باره می‌نویسد:

بازپس‌گیری شهر بندری خرمشهر توسط نیروهای انقلابی (امام) آیت الله خمینی، نتیجه جنگ را بعد از بیست ماه به نفع خود تغییر داد. نتیجه‌ای که هیچ کس تصور آن را نمی‌کرد و می‌تواند دگرگونی‌های شگرفی را در جهان به وجود آورد.^{۱۷}

اغلب تحلیل‌گران و کارشناسان علت اصلی پیروزی رزمندگان ایرانی را شور و انگیزه اسلامی و حسن میهن‌خواهی دانستند. به عنوان نمونه، تایمز لندن در این باره گزارش داد:

در آغاز جنگ برای ارتش عراق تصرف خرمشهر پنج هفته به طول انجامید. در حالی که اکنون برای ایران بازپس‌گیری آن کمتر از دو روز بوده است. شور و شوق اسلامی با ناسیونالیسم ایرانی موجب شدند که تهاجم عراقیها دفع گردد.^{۱۸}

رژیم عراق امروز رسماً تأیید نمود که نیروهایش بندر ایرانی خرمشهر را که ایران دیروز ادعا نمود بازپس گرفته، تخلیه نموده است. بغداد در توجیه عقب‌نشینی که از سلسله عقب‌نشینی‌های او در ماههای اخیر می‌باشد، اظهار نمود، وظیفه اصلی عراق در جنگ بیست ماهه وارد آوردن شدیدترین تلفات ممکن بر ایرانیها بوده است که این وظیفه حاصل گردیده است. در حالی که صدام حسین وقتی معاهده ۱۹۷۵ را پاره نمود و سربازانش را به عمق استان نفتی خوزستان ایران فرستاد، گفت: هدف اصلی بازگرداندن حقوقش نامید.^{۱۹}

البته شاهد تناقض‌گویی در هر عملیات از سوی دشمن بوده‌ایم، که این حاکی از شتاب‌زدگی و سردرگمی دشمن پس از حملات غافلگیرانه رزمندگان شجاع اسلام بوده است.

مهمترین نتایج عملیات بیت‌المقدس عبارتند از:

۱ - تغییر نگرش‌ها و باورهای جهانی نسبت به توانمندی رزمندگان اسلام و اثبات قابلیت‌های مبتنی بر خلاقیت‌ها و ابتکار نیروهای ایرانی.

۲ - شگفتی و حیرت‌زدگی محافل و افکار جهانی از پتانسیل ایمان، اصل غافلگیری و سرعت

عمل رزمندگان اسلام به عنوان رهیافت‌های جدید دفاعی.

۳ - ایجاد نگرانی و وحشت در بین حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم عراق که با کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود به پیروزی عراق امیدوار بودند.

۴ - تغییر موازنه قدرت در جبهه‌های نبرد، به طوری که ابتکار عمل آفندی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت.

۵ - افزایش اقتدار سیاسی نظام در سطح بین‌المللی، به طوری که مسئولین سیاست خارجی، سرفرازانه در محافل و مجامع بین‌المللی از حقوق ملت مظلوم ایران دفاع می‌کردند.

۶ - واکنش کشورها به بهانه تهدید امنیت در خلیج فارس و اظهار نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی در صورت تثبیت نظام جمهوری اسلامی.

۷ - وادار کردن سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی به موضعگیری بویژه شورای امنیت سازمان ملل که سکوت خود را پس از چندین ماه از آغاز تجاوز شکست و اقدام به صدور قطعنامه نمود.

۸ - شکست توان سیاسی و نظامی عراق و تردید حامیان او در توانایی نظامی ارتش عراق با وجود حمایت‌های مالی و سیاسی و نظامی گسترده.

۹ - ایجاد سرور و شادمانی یکپارچه در ملت ایران و تقویت وحدت ملی و انگیزه دفاعی در همه آحاد ملت و مسئولین.

۱۰ - محدود شدن فعالیت گروهکهای ضد انقلاب و ستون پنجم در داخل، و ناامید شدن از ادامه فعالیت‌ها و احساس ترس از خشم و غرور دینی و ملی مردم.

مواضع کشورها بعد از فتح خرمشهر

یکی از آثار مهم عملیات بیت‌المقدس، واکنش کشورهای منطقه و جهان در برابر پیروزی رزمندگان اسلام است. اگرچه پرداختن به تمامی مواضع کشورها از حوصله این بحث خارج است، اما اشاره به مواضع کشورهایی که خود را در این جنگ بی‌طرف و یا حتی مخالف رژیم عراق می‌دانستند، حائز اهمیت بسیار است.

دولت امریکا که در آغاز تجاوز رژیم عراق خود را بی‌طرف جلوه می‌داد، بعد از فتح خرمشهر نتوانست خشم و ناراحتی خود را از پیروزیهای رزمندگان اسلام پنهان کند، لذا ژنرال هیگ، وزیر

خارج وقت امریکا در اقدامی شتابزده اعلام کرد:

امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد، بی تفاوت نخواهد بود.^{۲۰}

همچنین وزیر خارج امریکا در نطقی بسیار مهم در مقابل شورای روابط خارجی امریکا در شیکاگو اعلام داشت:

اینک لحظه اقدام امریکا برای متوقف کردن جنگ ایران و عراق و برقراری صلح در سراسر منطقه فرا رسیدن است.^{۲۱}

آیا زمانی که صدام حسین هجوم سراسری را به خاک ایران آغاز کرد و بسیاری از شهرهای مرزی ایران را بر سر ساکنین بی دفاع آن خراب کرد و قریب به بیست ماه به تاخت و تاز در سرزمینهای اشغالی ادامه داد، زمان برقراری صلح در منطقه نبوده است؟ آیا داعیه صلحخواهی امریکا پس از عملیات بیت المقدس نشانه نقض بی طرفی و حمایت از رژیم عراق نیست؟ دکتر عظمی‌الباز مشاور شخصی حسنی مبارک رئیس جمهور مصر هشدار داد:

اگر ایرانی‌ها دست به یک هجوم جدی به داخل عراق بزنند، بدون شک درگیری مصر در جنگ را افزایش خواهد داد.^{۲۲}

همچنین ولیعهد اردن از امریکا خواست تا موضع بی طرفی خود در جنگ ایران و عراق را رها نموده و به خاطر اینکه ایران در جنگ به پیش می‌رود، از عراق حمایت کند.^{۲۳}

تسخیر برق‌آسای بندر حیاتی خرمشهر توسط رزمندگان اسلام، ضربه گیج‌کننده‌ای را بر عراق و همه کشورهای متحدش وارد ساخت. به طوری که پس از مدت‌ها خاموشی، تماماً برای نجات صدام حسین به تکافو افتادند و با فشارهای تبلیغی و سیاسی بر ایران خواهان برقراری آتش‌بس فوری شدند. تا اینکه در فاصله‌ای بسیار کوتاه دست‌های پیدا و پنهان دولت‌ها در حمایت از رژیم متجاوز عراق آشکار شد. امام راحل (س) در این باره می‌گوید:

این صدام که تا حال این قدر ادعا می‌کرد که من وابستگی به امریکا ندارم و من با

اسرائیل دشمنم و با مصر دشمن هستم و من یک عربی هستم که فقط عربیت را می‌فهمم و امریکا و فرانسه و دیگران را اصلاً کاری ندارم و قبول ندارم، حالا معلوم شد که قضیه چی است، حالا معلوم شد که این مرد، هم امریکایی بوده است، هم اسرائیلی بوده است و هم در غیاب آنها شوروی پست و بند داشته است.^{۲۴}

مواضع سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی

پس از فتح خرمشهر مجامع و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی سکوت خود را شکستند و تصمیمات گوناگونی را اتخاذ نمودند:

شورای همکاری خلیج فارس به ریاست شاهزاده فهد ولیعهد وقت کشور عربستان در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۹ تشکیل جلسه داد و خواهان توقف جنگ شد. ناظران مطلع نیز اظهار کرده‌اند که مقامات عربستان سعودی در نظر دارند از فرانسه و مقامات این کشور درخواست نمایند تا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق اقداماتی را آغاز نمایند.^{۲۵}

سازمان کنفرانس اسلامی نیز با تشکیل کمیته میانجیگری درصدد برآمد که جنگ بین ایران و عراق را متوقف کند، حبیب شطی دبیر کل وقت سازمان کنفرانس اسلامی در این بار می‌گوید:

در ارتباط با جنگ ایران و عراق چهل و سه کشور عضو کنفرانس اسلامی تلاش خواهند کرد که این دو کشور، ملت اسلامی را که بیش از یک سال قبل درگیر یک جنگ خانمان‌سوز هستند، با یکدیگر آشتی دهند.^{۲۶}

شورای امنیت سازمان ملل متحد که طبق منشور سازمان مسئولیت دفع تجاوز به کشورها را عهده‌دار است، به طور جدی قضیه جنگ ایران و عراق را دنبال نکرده است. اعضای شورای امنیت تنها در جلسه ۶ مهر ماه ۱۳۵۹ (۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰) تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء قطعنامه ۴۷۹ را تصویب کرد.^{۲۷}

/ /

/ /

/ /

:

به طوری که ملاحظه می‌شود این قطعنامه با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» با اظهار نگرانی از دو کشور درخواست می‌کند که از هرگونه کاربرد بیشتر زور خودداری می‌کنند. جای بسی تعجب است که درخواست عدم استفاده از زور (حتی به صورت مشروع) زمانی مطرح شده است که قسمت اعظمی از غرب و جنوب غربی ایران در اشغال نیروهای عراقی بود و شورا با حکم آتش‌بس در خاک ایران، از نیروهای متجاوز درخواست نکرده است که به مرزهای بین‌المللی بازگردند، بلکه خواسته واقعی شورا آن بود که دولت قربانی تجاوز (ایران) از دفاع مشروع برای دفع تجاوز دست بردارد. این امر خود نقص صریح ماده ۵۱ منشور ملل متحد است.

پس از قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت سازمان ملل به مدت ۲۲ ماه سکوت کرد و این در ایامی است که رژیم عراق در اوج پیروزی است، اما پس از عملیات بیت‌المقدس، شورای امنیت هم‌صدا با سایر کشورهای متحد عراق برای توقف جنگ سکوت خود را شکست و در پی درخواست کشور اردن و امریکا (دو متحد عراق در جنگ با ایران) تشکیل جلسه داد و در ۲۱/۴/۱۳۶۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲) قطعنامه ۵۱۴ را به اتفاق آرا تصویب کرد.^{۲۸}

« »

()

()

« »

در این قطعنامه برخلاف قطعنامه ۴۷۹ برای نخستین بار از برقراری آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و تشکیل نیروهای پاسدار صلح و استقرار آنها سخن رفته است و احترام به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارزش و عدم مداخله در امور داخلی کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

بدیهی است که این موارد ضرورت داشت که در زمان برتری نیروهای عراقی و اشغال بخشی از مناطق و شهرهای مرزی ایران هم به طور جدی از سوی شورای امنیت سازمان ملل مطرح و تعقیب شود، حال به چه علتی شورای امنیت پس از ۲۲ ماه سکوت به فکر وظایف اولیه و ابتدایی خود افتاده است، جای بسی سؤال و تعجب است.

ایران قطعنامه ۵۱۴ را نپذیرفت، زیرا هنوز تا خواسته‌های مشروع خویش نظیر: معرفی متجاوز و پرداخت خسارت و تضمین صلح، راه درازی را در پیش رو داشت و قطعنامه ۵۱۴ هیچ راهکاری را برای تحقق مقاصد مشروع ایران پیشنهاد نکرد.

طرح چند سؤال و پاسخ آن

سؤالاتی که در این مقطع یعنی بعد از فتح خرمشهر به ذهن می‌رسد، می‌تواند مشتمل بر موارد زیر باشد:

- الف - چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهاد صلح شورای امنیت را نپذیرفت؟
- ب - آیا مسئول ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر ایران نیست؟
- ج - اینکه گفته می‌شود امام خمینی خواهان خاتمه دادن به جنگ پس از فتح خرمشهر بود، آیا صحت دارد؟

اگرچه خواننده محترم با مطالعه این کتاب می‌تواند به پاسخ سؤالات خود برسد، اما اختصاصاً به دلیل طرح مشخص این سؤالات، بویژه از سوی شبهه‌افکنان به جواب آن می‌پردازیم:

سؤال اول - چرا ایران پس از فتح خرمشهر پیشنهاد صلح از سوی کشورها و مجامع بین‌المللی را نپذیرفت؟

جمهوری اسلامی ایران از آغاز تجاوز رژیم عراق خواهان صلح بوده است، اما صلح حقیقی و شرافتمندانه. بدیهی است صلح از نظر حقوق بین‌الملل باید حاوی مقدمات زیر باشد:

- دفع آتش تجاوز

- شناسایی متجاوز

- تعیین خسارات و تنبیه متجاوز

- تضمین صلح و بقای آن به کشور مورد تجاوز

با توجه به این مقدمات در کلیه نظرها و بیانیه‌های شخصیت‌ها و رؤسای دولت‌ها و مجامع بین‌المللی که هیاهوی صلح و آتش‌بس بعد از فتح خرمشهر به راه انداختند، تماماً فاقد موارد فوق بودند. شورای امنیت سازمان ملل که بر اساس منشور سازمان در این رابطه مسئول بوده است، در قطعنامه ۵۱۴ و قطعنامه‌های بعدی به جای لفظ «منازعه» بین ایران و عراق از کلمه «وضعیت» استفاده می‌کرد، این دو واژه از نظر حقوق بین‌الملل تعریف خاص خود را دارند، در اعلان «وضعیت» هیچ مسئولیتی متوجه شورای امنیت سازمان نمی‌شود، ولی اعلان «منازعه» برای شورای امنیت مسئولیت‌آور می‌شد، به همین دلیل از کاربرد واژه «منازعه» در صدور قطعنامه‌ها خودداری می‌کرد. بنابراین شورایی که دفع مخاصمه بین کشورها را به عهده دارد تا این اندازه که از مسئولیتش طفره می‌رود. ایران به امید کدام مرجع دیگری دست از دفاع مقدس خود می‌کشید؟ آیا شعار صلح را بدون توجه به مقدمات و راهکاری عملی آن با آب و تاب مطرح نمودن خیانت به واژه مقدس صلح نیست؟ آیا با این وجود عدم پذیرش صلح‌فریبان مدعی از سوی ایران کار خردمندانه‌ای نبوده است؟

سؤال دوم: آیا مسئول ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، ایران نیست؟

در جنگ رژیم عراق علیه ایران سه نوع پایان قابل تصور بود، اولاً ایران مغلوب و رژیم عراق غالب شود. ثانیاً عراق مغلوب و ایران غالب شود. ثالثاً یک تصمیم بین‌المللی جنگ را خاتمه دهد.

فرض اول تحقیقاً منتفی است، زیرا اگر قرار بود که ایران مغلوب شود، در همان روزهای اول جنگ که غافلگیر شده بود و در اثر درگیری با مشکلات طبیعی بعد از انقلاب آمادگی مقابله با تهاجم گسترده رژیم عراق را نداشت، می‌بایست از پا درمی‌آمد، اما دیدیم که چگونه توانست به طرز معجزه‌آسایی خود را تجهیز کند و در فاصله‌ای کوتاه نه تنها تمامی اراضی اشغالی را از دشمن پس بگیرد، بلکه به تعقیب متجاوز در خاک او نیز پردازد. و از طرفی به فرموده امام راحل (ره) ملتی که با تکیه بر ایمان و اراده الهی می‌جنگید، شکست در منطق او راه ندارد. در قرآن کریم به همین مضمون آمده است.^{۲۹}

فرض دوم اینکه رژیم عراق مغلوب شود، که این فرض هم محقق‌الوقوع نبود، زیرا حامیان و متحدان رژیم عراق به هر قیمتی اجازه شکست رژیم عراق را نمی‌دادند و دیدیم که در راستای حمایت از او تمامی قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کردند و سلاح‌های مخرب میکروبی و شیمیایی را در اختیار او قرار دادند، صدام حسین هم با آرامش خاطر آنها را علیه رزمندگان ما و قیحانه به کار گرفت. فرض سوم تصمیمات بین‌المللی بود که تا صدور قطعنامه ۵۹۸ اقدام به این کار نشده بود. از این رو برابر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد کشوری که مورد تجاوز قرار گرفت تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرایی جهت دفع تجاوز اتخاذ نکند، حق دارد از خود دفاع کند، اما به محض اینکه شورای امنیت تدابیر لازم را اتخاذ کرد، باید کشور مورد تجاوز از ادامه حملات خودداری کند تا شورای امنیت بتواند با طیب خاطر به فعالیت خود در زمینه شناسایی و تنبیه متجاوز ادامه دهد. از این رو برابر ماده یکم قطعنامه تعریف متجاوز، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا مورد تجاوز ارتش عراق قرار گرفت و تا زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ چون تصمیم روشنی از سوی شورای امنیت برای دفع تجاوز اتخاذ نشد، حق داشت از خود دفاع کند و از نظر حقوقی این دفاع حتی در داخل خاک کشور متجاوز مجاز می‌باشد. اما قید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ حق دفاع مشروع را از ایران سلب نمود. دقیقاً ملاحظه می‌کنیم که بعد از این حجم تبلیغات دشمن و حامیان او حول این محور که ایران ناقض حقوق بین‌الملل است، متمرکز می‌شود، در حالی که قبل از آن می‌دانستند دفاع مشروع حق ایران است.

بدین ترتیب ایران نه آغازگر جنگ بود و نه مسئولیتی در ادامه آن داشته است، آنچه که مسلم است مسئولین ادامه جنگ به عهده شورای امنیت سازمان ملل است که به خاطر فشار حامیان صدام بویژه امریکا در تصمیم‌گیری تعلل می‌ورزید که اینک اکنون در اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ کوتاهی می‌کند.

سؤال سوم: آیا امام خمینی(س) پس از فتح خرمشهر خواهان خاتمه دادن به جنگ بود؟ امام خمینی(س) همواره خواهان پایان دادن به جنگ بود، اما پایانی که متضمن حقوق ملت مظلوم ایران باشد، اما از اینکه پس از فتح خرمشهر مصراً خواهان پایان بخشیدن به جنگ بود هیچ مدرک و سندی در دست نیست و انگهی امام راحل(س) در هر کاری به نظر کارشناسان و متخصصان بسیار اهمیت می‌داد، تحقیقاً اگر نظر فرماندهان و کارشناسان جنگ مبتنی بر ادامه دفاع مقدس بود. امام راحل(ره) همان نظر را می‌پذیرفتند، و از همه مهم‌تر لحن سخنان و محتوای رهنمودهای امام خمینی بویژه بعد از فتح خرمشهر گویای صلحی عادلانه بود که از ارکان حقوقی صلح حکایت می‌کرد. برای مثال معظم‌له طی سخنانی در جمع گروهی از دانشجویان دانشکده افسری ارتش و مسئولین این دانشکده فرمودند:

از اوّل هم صلح طلب بودیم و صلح یکی از اموری است که ما به تبع از اسلام قبول کردی. صلح اسلامی، صلحی که برادر می‌شوند بعد از صلح، و ما طالب این هستیم. اما صلحی که اصلاً اعتنا نکنند به اینکه جنایت کردند در اینجا و اعتنا نکنند به اینکه غراماتی وارد شده است و باید جبران بکنند، خساراتی وارد شده است و باید جبران بکنند. این اسمش صلح نیست، این اسمش را می‌توانیم بگذاریم صلح صدامی.^{۳۰}

امام راحل(ره) همین منطق را تا پایان جنگ دنبال نمودند و حتی مفاد قطعنامه ۵۹۸ را که پذیرفتند متضمن صلح واقعی و عادلانه ندانستند، از این جهت پذیرش آن را چون نوشیدن جام زهر دانستند.

بخش دوم: وادار کردن مجامع بین‌المللی برای تصمیمی عادلانه (استراتژی عدل)

جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی بخش اعظمی از شهرها و مناطق اشغالی از چنگال

قوای دشمن، در برابر هیاهوی صلح‌خواهان و فشار همه‌جانبه آنان تصمیم گرفت که استراتژی عدل را در پیش گیرد، یعنی مجامع رسمی بین‌المللی را که در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز کشورها مسئول هستند، وادار به تصمیمی عادلانه کند که در آن حقوق کشور مورد تجاوز تضمین شود. برای تحقق این هدف مهم عمل به موارد ذیل به عنوان مؤلفه‌های استراتژی عدل ضروری بود:

۱ - تثبیت مواضع دفاعی

اگرچه رزمندگان اسلام پس از فتح خرمشهر ابتکار عمل در جبهه‌ها را به دست گرفتند، اما تدبیر ضروری و مهم در این مقطع ترسیم هندسه مقاومت بود، یعنی اتخاذ استراتژی دفاعی برای حفظ موازنه قوا در خطوط درگیری. بر اساس این تدبیر دو کار لزوماً باید انجام می‌شد. اول تثبیت مواضع دفاعی یعنی دور کردن دشمن از مواضع رزمندگان و بستن خطوط نفوذی و از همه مهمتر دور کردن آتش سلاح‌های سنگین و دوربرد دشمن از مواضع دفاعی رزمندگان که اضلاع خط استوار و هندسه مقاومت را در خاک دشمن طلب می‌کرد و این از نظر علم استراتژیک نظامی کاملاً پذیرفته شده است که اگر ضلعی از مثلث دفاعی در خاک دشمن واقع شد، ناچاراً باید از خاک او عبور کرد، این قاعده به اعتقاد کارشناسان و ناظران بین‌المللی هم در آن شرایط دور از انتظار نبود، چنانکه گفتند:

به اعتقاد ناظران بین‌المللی ایران در حال حاضر در تدارک حمله‌ای جهت تصرف بصره است که توپخانه‌های دوربرد این کشور پس از سقوط خرمشهر اقدام به گلوله‌باران آن نموده‌اند.^{۳۱}

زیرا شهر بصره علاوه بر خطوط مواصلاتی و پشتیبانی دشمن دقیقاً مواضع رزمندگان اسلام را زیر آتش سنگین خود داشت که دور کردن دشمن از این مواضع و خطوط ارتباطی در راستای تدابیر تثبیت مواضع دفاعی ایران بوده است.

تصمیم دوم مهلت ندادن به دشمن برای سازماندهی مجدد بود، چرا که بعد از شکست سنگین دشمن در عملیات بیت‌المقدس که موجب سردرگمی فرماندهان و مسئولین ارتش عراق شد، تدبیر دفاعی برای ایران حکم می‌کرد که به دشمن فرصت اندیشیدن و سازماندهی مجدد را ندهد و با

استفاده از شور و ذوق و توان دفاعی رزمندگان به نقطه اطمینان و خط استوار دفاعی که امروزه در فنون نظامی جایگاه خاصی دارد برسد. نظریه کارشناسان دفاعی چنین اقداماتی را از سوی ایران قابل پیش بینی و از بدیهیات علوم دفاعی دانستند، بطوریکه لس آنجلس تامیز طی تحلیل کارشناسی در این زمینه گزارش داد:

اکنون که سکه بر روی دیگرش قرار دارد، ایران بیش از یک چهارم ارتش عراق را منهدم و تسخیر نموده است، نیروی هوایی از لحاظ عملیاتی، آمادگی عراق را تا دو سوم کاهش داده و ظاهراً روحیه ارتش صدام حسین را شکسته است، جاده اصلی به بغداد باز می‌باشد و نیروهای ایران در مقابل پایتخت عراق از پیروزی و شوق در هیجان می‌باشند.^{۳۲}

۲- فعال کردن حرکت دیپلماسی

برای وارد کردن مجامع رسمی بین‌المللی به تصمیمی عادلانه در مورد تجاوز رژیم عراق علیه ایران فعال کردن حرکت دیپلماسی و جلب توجه محافل سیاسی جهان به قدرت دفاعی ایران ضروری بود. متأسفانه شورای امنیت سازمان ملل که تحت تأثیر قدرتهای بزرگ بود بی‌توجه به قدرت دفاعی رزمندگان اسلام همچنان به واکنش‌های بازدارنده خود ادامه می‌داد بطوریکه بفاصله کمتر از دو ماه و نیم پس از صدور قطعنامه ۵۱۴ مبادرت به صدور قطعنامه ۵۲۲ اقدام می‌نماید:

قطعنامه ۵۲۲

در ۴ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۲ مهر ۱۳۶۱) به اتفاق آرا تصویب شد.

شورای امنیت، بعد از رسیدگی مجدد به موضوع دارای عنوان «وضعیت بین ایران و عراق»، با ابراز تأسف از طولانی شدن و شدت یافتن منازعه بین دو کشور که منجر به تلفات سنگین انسانی و خسارات مادی قابل توجه شده و صلح و امنیت را دچار مخاطره کرده است، با تأیید مجدد این امر که بازگرداندن صلح و امنیت به منطقه مستلزم آن است که کلیه کشورهای عضو دقیقاً بر طبق تعهداتشان در منشور ملل متحد عمل کنند، با یادآوری قطعنامه ۴۷۹ (۱۹۸۰) خود که در ۲۸

سپتامبر ۱۹۸۰ به اتفاق آرا تصویب شد و بیانیه رئیس شورای امنیت در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۰، به علاوه، با یادآوری قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲) خود که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ به اتفاق آرا تصویب شد و بیانیه رئیس شورای امنیت در ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲، با در نظر گرفتن گزارش ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ دبیر کل،

۱- بار دیگر مصرّاً خواهان آتش بس فوری و خاتمه کلیه عملیات نظامی می‌باشد؛

۲- درخواست خود را برای عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی مجدداً تأیید می‌کند؛

۳- از این واقعیت که یکی از طرفها آمادگی خود را برای همکاری در اجرای قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲) اظهار داشته است استقبال می‌کند و از طرف دیگر می‌خواهد که چنین کند؛

۴- لزوم اجرای بدون تأخیر بیشتر تصمیم خود را در مورد اعزام ناظران سازمان ملل برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش بس و عقب‌نشینی تأیید می‌کند؛

۵- فوریت ادامه کوششهای میانجیگری کنونی را مجدداً تأیید می‌کند؛

۶- درخواست خود را از کلیه کشورهای دیگر در مورد خودداری از انجام هر عملی که ممکن است به ادامه منازعه کمک کند و تسهیل اجرای قطعنامه حاضر را مجدداً تأیید می‌کند؛

۷- به علاوه، از دبیر کل درخواست می‌کند که اجرای قطعنامه حاضر را در ظرف ۷۲ ساعت به شورای امنیت گزارش دهد.

تنها تفاوت این قطعنامه با قطعنامه‌های قبلی شورا در آن بود که شورا برای خوشایندی عراق و متحدین او در بند ۳ اجرایی قطعنامه مقرر می‌دارد اگر یکی از طرفین درگیر آمادگی خود را جهت همکاری برای اجرای قطعنامه ۵۱۴ اعلام کند، حسن استقبال می‌نماید.

صدام حسین با تمسک به این پیشنهاد شورای امنیت شعار صلح‌خواهی سر می‌دهد در تبلیغات متحدان و دوستانش نیز به این بهانه صلح‌طلب و ایران آتش‌افروز معرفی می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران بمنظور کاستن فشارهای تبلیغی دشمن و متحدانش و نیز جلب توجه افکار جهانیان به دلائل استنکاف ایران از پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت علاوه بر فعالیت همه جانبه وزارت خارجه ایران نیاز به اهرم‌های مؤثرتری در میدان عملیاتی داشت، بگونه‌ایکه شورای امنیت را بدور از فشارهای سیاسی و تبلیغی وادار به تصمیمی عادلانه بر اساس موازین بین‌المللی نماید.

همه این عوامل تدبیر فرماندهان در جنگ را به یک سلسله عملیات برون مرزی هدایت کرد، تا در احقاق حق ملت مظلوم ایران و تنبیه متجاوز توانمندیهای تازه‌ای از قدرت رزمندگان اسلام را به نمایش گذاردند.

سلسله عملیات برون‌مرزی یا انهدامی

جمهوری اسلامی ایران بمنظور تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام و سلب فرصت از دشمن جهت سازماندهی مجدد و نیز فعال کردن محافل سیاسی در راستای تصمیم‌گیری جدی و عادلانه در حل مناقشه، در بعضی از خطوط دفاعی، عبور از مرزها و تصرف مناطق استراتژیک دشمن را هدف قرار داد. این تدبیر نه تنها خردمندانه بلکه منطبق بر فنون دفاعی و حتی موازین بین‌المللی بوده است. سلسله عملیات مهم انهدامی عبارتند از:

۱ - عملیات رمضان

در شرق بصره که به منظور دور کردن آتش دشمن از شهرهای جنوبی کشور و انهدام نیروهای رژیم عراق صورت گرفت.

۲ - عملیات ثارالله

در منطقه عملیاتی قصر شیرین انجام گرفت که منجر به آزاد شدن دو ارتفاع مهم مشرف به قصر شیرین گردید.

۳ - عملیات مسلم بن عقیل

در غرب سومار و ارتفاعات مسلط بر شهر مندلی عراق صورت گرفت که در آن ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق و پاسگاه مرزی ایران آزاد و پاکسازی شدند.

۴ - عملیات محرم

در منطقه شریانی، زبیدات و بیات - جنوب شرقی دهلران در غرب عین خوش انجام شد که

منجر به آزادسازی جاده عین خوش - دهلران و تأمین امنیت شهرهای موسیان، دهلران و پادگان عین خوش و دهکده‌های اطراف آن گردید.

۵ - عملیات والفجر مقدماتی

در منطقه عملیاتی فکه - چزابه بمنظور انهدام نیروهای دشمن انجام گرفت که حاصل آن آزادی پاسگاههای ایرانی سویله، صفریه، رشیده، و طاووسیه و پاسگاههای عراقی وهب، کرامه و صفریه بوده است.

۶ - عملیات والفجر ۱

در منطقه عملیاتی شمال غرب فکه با هدف انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی بخشی از نوار مرزی انجام شد که نتایج آن آزادسازی چندین ارتفاعات و روستا در حاشیه رودخانه دویرج بوده است.

۷ - عملیات والفجر ۲

در منطقه عملیاتی حاج عمران بمنظور خارج کردن شهرهای کردنشین ایران از زیر آتش دشمن و آزادسازی ارتفاعات مهم منطقه و مسدود کردن راه ضد انقلاب و تصرف پادگان حاج عمران بوده است. در این عملیات علاوه بر پادگان حاج عمران و تنگه دربند و تنگه چومان مصطفی، منطقه‌ای به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع از چنگ دشمن آزاد شد.

۸ - عملیات والفجر ۳ تا ۶

که به ترتیب در مناطق عملیاتی مهران، دره شیلر در شمال مریوان و پنجوین، منطقه عملیاتی چنگوله (حد فاصل مهران و دهلران) و منطقه عملیاتی چزابه و چیلان (در جنوب دهلران) انجام گرفت که عموماً با هدف انهدام نیروها و تجهیزات دشمن و آزادسازی ارتفاعات منطقه و مسدود کردن راه ضد انقلاب به اجرا درآمدند.

۹ - عملیات خیبر

در منطقه هورالهویزه و جزایر مجنون انجام شد که نتایج آن آزادسازی جزیره مجنون به مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع با ۵۰ حلقه چاه نفت و چندین روستای منطقه بوده است. در این عملیات خسارات سنگینی به تجهیزات و یگانهای دشمن وارد آمد.

۱۰ - عملیات میمک

در ارتفاعات مرزی میمک به اجراء درآمد که منجر به آزادسازی ارتفاعات مهم منطقه و چندین پاسگاه مرزی گردید.

۱۱ - عملیات بدر

در شرق رودخانه دجله انجام شد که منجر به آزادسازی بخش وسیعی از مناطق مهم و نفت خیز هورالهویزه و چندین روستای منطقه و دهها پاسگاه دشمن در هورالهویزه و جاده الحجرده (معروف به خندق) گردید.

۱۲ - سلسله عملیات (ایذائی) ظفر ۱ تا ۴

به ترتیب در جزیره مینو، پنجوین، شمال غرب کشور و فکه انجام گرفت که عمده اهداف در این عملیات ضربه زدن به بخشی از نیروی دشمن و تصرف نقاط استراتژیک عملیاتی بوده است.

۱۳ - سلسله عملیات قدس ۱ تا ۵

به ترتیب در منطقه هورالهویزه و شرق رودخانه دجله، جنوب دهلران، جنوب شرقی العماره در هورالهویزه و غرب هورالهویزه انجام شد که عمدتاً به منظور دفع حملات دشمن و انهدام بخشی از نیروی دشمن بوده است.

۱۴ - سلسله عملیات عاشورای ۱ تا ۴

به ترتیب در تکاب و صائین دژ در شمال کردستان، منطقه چنگوله در جنوب مهران، شمال فکه

و غرب دریاچه ام‌النعاج در هورالهویزه، انجام شد که عمدتاً به منظور انهدام تجهیزات و نیروهای دشمن صورت گرفت.

۱۵ - عملیات والفجر ۸ (معروف به فتح فاو)

عملیات والفجر هشت در شبه جزیره فاو به منظور کوتاه کردن دست رژیم متجاوز عراق از آبهای خلیج فارس توسط دلیر مردان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اجرا درآمد. در این عملیات مهم علاوه بر تاکتیک‌های جدید بکار گرفته شده از سوی رزمندگان اسلام، از موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی خاصی برخوردار است، بطوریکه عبور سپاهیان اسلام از رود اروندر حیرت همه کارشناسان نظامی را برانگیخت، و به لحاظ سیاسی نگرانی عمیقی را در حامیان رژیم عراق ایجاد کرد تا آنجا که همگان بیم داشتند با سقوط صدام حسین، فرایند جهانی شدن انقلاب اسلامی سپری گسترده پیدا کند، و بیش از همه دولت غاصب اسرائیل را بکام نابودی بسپارد.

همزمان با فتح فاو عملیات والفجر ۹ در شرق چوارته عراق توسط رزمندگان دلیر اسلام صورت گرفت که منجر به آزادسازی ارتفاعات مهم منطقه از جمله ارتفاعات کانا و تنگه سور گردید. این همزمانی علاوه بر اثبات اقتدار دفاعی رزمندگان اسلام ضربه روانی محکمی بر دشمن به شمار می‌آمد.

بازتاب پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸ و والفجر ۹ در رسانه‌های گروهی جهان به حدی بود که همگان ضمن اعتراف به توانایی نیروهای ایرانی از ضعف توان نظامی و روانی ارتش عراق سخن می‌گفتند. برای نمونه نیوزویک گزارش داد:

تصرف فاو توسط نیروهایی صورت گرفت که در شرایط سختی بسر می‌بردند و سربازانی که به اینکار دست زدند اطلاعات پیچیده‌ای از رزم شبانه و تاکتیک‌های جنگ‌های آبی - خاکی داشتند - هفته گذشته نیروهای ایرانی حمله دومی را از کوه‌های کردستان عراق به طرف مرکز استان سلیمانیه آغاز کردند - ایران که از درّه‌های باران زده و گل‌آلود یعنی جایی که عراق از کاربرد نیروی زمینی و عوامل برترش نمی‌تواند سود جوید و استفاده کند به پیروزی دیگری دست یافت، این حملات بدان لحاظ ثابت می‌کند که ایران قادر است همزمان به چند حمله دست بزند و این برای عراق

یک ضربه روانی به شمار می‌رفت.^{۳۳}

۱۶ - سلسله عملیات کربلا

کربلای یک در منطقه عملیاتی مهران انجام شد که منجر به آزادسازی شهر مهران گردید این شهر در عملیات والفجر ۳ آزاد شده بود، اما پس از عملیات والفجر ۸ که منجر به آزادی شهر فاو گردید دشمن مبادرت به اشغال این شهر نمود که رزمندگان اسلام در عملیات کربلای یک مجدداً آنرا از دشمن بازپس گرفتند.

عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج عمران عراق به اجراء درآمد که منجر به آزادسازی ارتفاعات مهم منطقه گردید. عملیات کربلای ۳ در ترمینال الامیه و البکر در شمال غربی خلیج فارس صورت گرفت. در این عملیات اسکله الامیه که مرکز جاسوسی عراق در خلیج فارس بود، تصرف و پس از خارج ساختن کلیه تجهیزات به آتش کشیده شد.

عملیات کربلای ۴ در غرب اروندرود به منظور انهدام نیروی دشمن به اجراء درآمد. عملیات کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه و شرق بصره به اجرا درآمد.

این عملیات که بنام انهدام ماشین جنگی دشمن معروف شد به مدت ۴۵ روز به طول انجامید و ۸۱ تیپ و گردان مستقل دشمن منهدم و ۳۴ تیپ و گردان مستقل نیز آسب کلی دیدند و همچنین ۲۲۰ دستگاه تانک و نفربر و ۵۰۰ دستگاه انواع خودرو و هزاران قبضه انواع سلاحهای سبک و نیمه‌سنگین و مقدار زیادی مهمات به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.

و همچنین عملیات کربلای ۶ در شمال سومار و کربلای ۷ در حاج عمران و کربلای ۸ در شرق بصره و کربلای ۹ در منطقه عملیاتی قصر شیرین و کربلای ۱۰ در منطقه عمومی ماهوت عراق به اجرا درآمدند که هدف عمده آنها انهدام نیروی دشمن و تصرف نقاط استراتژیک و ارتفاعات مهم منطقه بوده است.

۱۷ - سلسله عملیات (نامنظم) فتح ۱ تا ۱۰

عملیات فتح ۱ تا ۱۰ بطور نامنظم عموماً در داخل خاک عراق به منظور انهدام توان نظامی

دشمن و تصرف ارتفاعات استراتژیک منطقه به اجرا درآمدند.

۱۸ - سلسله عملیات نصر ۱ تا ۹

که عمدتاً در داخل خاک عراق و شهرهای مرزی آن به منظور انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی دامنه‌ها و ارتفاعات مهم آن بوده است.

۱۹ - سلسله عملیات (نامنظم) ظفر ۱ تا ۷

این سلسله عملیات نامنظم در داخل خاک عراق در استانهایی چون سلیمانیه و دهوک و کرکوک به اجرا درآمدند که عموماً با هدف انهدام مراکز نظامی و تأسیسات اقتصادی دشمن همراه بوده است.

نتایج عملیات برون مرزی

بعد از فتح خرمشهر فرایند دفاعی رزمندگان بر اساس تصمیم فرماندهان و مسئولین نظام، جهت خاصی را دنبال نمود که مبتنی بر واقعیات روز جبهه‌های نبرد و شرایط سیاسی منطقه و جهان بوده است. نتایجی که از سلسله عملیات انهدامی یا برون‌مرزی رزمندگان اسلام بدست آمد خود بیانگر ضرورت این اهداف بوده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱ - انهدام نیروها و مراکز تأسیسات نظامی - اقتصادی و پایگاههای حفاظتی و پشتیبانی دشمن
- ۲ - سلب اختیار آفندی از ارتش رژیم عراق با استفاده از اصل غافلگیری و عملیات شبانه در تمامی خطوط درگیر.
- ۳ - اثبات اقتدار و توان دفاعی رزمندگان اسلام اعم از ارتش، سپاه و نیروهای مردمی بعنوان قدرت فعال و تصمیم‌گیر در جبهه‌های نبرد
- ۴ - وادار کردن مجامع بین‌المللی بویژه شورای امنیت سازمان ملل به قبول مسئولیت حل مناقشه و تحکیم صلحی عادلانه با تنبیه و مجازات متجاوز
- ۵ - سلب فرصت سازماندهی و آرایش منظم نیروها از دشمن و ایجاد فضایی روانی بمنظور تضعیف روحیه ارتش عراق در مقابله با رزمندگان اسلام.

- ۶ - تقویت فعالیت دیپلماسی وزارت خارجه و حضور پرقدرت آتی در مذاکرات صلح با تکیه بر خواسته‌های مشروع جمهوری اسلامی ایران
- ۷ - تسلیم شدن شورای امنیت سازمان ملل در برابر اراده جمهوری اسلامی ایران با صدور قطعنامه ۵۹۸ اگر چه در اجرای مفاد قطعنامه تعلل و بی‌توجهی می‌شود.
- ۸ - مشخص شدن ماهیت حامیان پیدا و پنهان رژیم عراق و نقض بی‌طرفی در جنگ بویژه دولت امریکا که طرف اصلی ما در جنگ شناخته شد.
- ۹ - خشی کردن جو ارباب ناشی از حمله به مناطق مسکونی، کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در جبهه‌ها و ایجاد آرامش در فضای عمومی کشور.
- ۱۰ - ایجاد انگیزه و احساس غرور و امید به پیروزی در هواداران جهانی انقلاب اسلامی و جلب توجه اندیشمندان و آزاد اندیشان به تأثیر ایمان و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی در صلابت و پایداری ملت‌ها.
- ۱۱ - شکست منطق زور و تصمیم یکسویه ابرقدرتها در حوادث جهانی و ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در مبارزه با قدرتهای بزرگ.

چند سؤال و پاسخ آن

- ۱ - دلیل عمده عملیات برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟
- ۲ - آیا سلسله عملیات برون‌مرزی مسئولیت ادامه جنگ را متوجه ایران نمی‌کند.
- ۳ - آیا اقدامات برون‌مرزی ما مطابق موازین بین‌المللی بوده است؟

پاسخ سؤال اول

مهمترین دلیل عملیات برون‌مرزی رزمندگان ایران که مشروح آن در نتایج این سلسله عملیات آمده است عبارتند از:

- ۱ - انهدام ماشین جنگی دشمن و سلب فرصت سازماندهی مجدد آن.
- ۲ - وادار کردن مجامع بین‌المللی به تصمیمی عادلانه و شناسایی آغازگر جنگ.
- ۳ - تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام بطوریکه ترسیم «جغرافیای تثبیت» یا «حوزه اطمینان»

بعد از فتح خرمشهر برای ما فراهم شد، و از نظر قواعد و فنون نظامی بسیار بدیهی است که ما باید از این وضعیت استفاده می‌کردیم، هندسه اقتدار یا تثبیت را کامل می‌کردیم، تا با قبول آتش‌بس دشمن نتواند مجدداً مواضع ما را مورد حمله قرار دهد. پس این حق طبیعی ما بود که با عملیات برون‌مرزی شعاع اقتدار دفاعی را تعقیب نمائیم.

پاسخ سؤال دوم

از قواعد دیگر نظامی بین دو کشور درگیر تبدیل فرماندهی موضع‌گرا به روندگرایی است و هر کدام از طرفین اگر موفق به این کار شدند ابتکار میدان را بدست می‌گیرند. از این جهت ما بعد از فتح خرمشهر قدرت ایجاد فرماندهی روندگرا را پیدا کردیم، از دست دادن این فرصت عاقلانه نبود. فلذا تکمیل معادله روندگرا در استراتژی دفاعی، ورود به خاک دشمن را امضاء می‌کرد. و این موضوع هیچ‌گاه به منزله مسئولیت ادامه جنگ نیست و در واقع یک قاعده نظامی با مسئولیت ادامه جنگ مغالطه مضحکی است که توسط حامیان صدام در صحنه جهانی علم شده است.

در مورد مسئولیت ادامه جنگ باید مؤلفه‌های مؤثر در جنگ را شناخت، جمهوری اسلامی ایران که مورد تجاوز عراق قرار گرفت حق دفاع مشروع از نظر حقوق بین‌الملل برای او محفوظ بوده است، و دفاع مشروع شامل دفع تجاوز و رفع تجاوز هر دو می‌شود. ما در فتح خرمشهر دفع تجاوز کردیم و در عملیات برون‌مرزی بدنبال رفع تجاوز بودیم. و این علاوه بر تطبیق با موازین بین‌المللی مطابق شرع مقدس اسلام نیز می‌باشد.

چنانکه در قرآن کریم فرمود:

قاتلوهم حتی لا تكون فتنة^{۳۴}

بکشید آنان را تا فتنة خاموش شود.

بنابراین تصمیم ما برای رفع تجاوز هم حقی شرعی و حقوقی و هم عقلانی بوده است، آقای دکتر رجائی خراسانی نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره عبور ایران از مرزها به خبرنگار امریکائی گفت:

من دوست دارم که شما خود را به جای ما فرض کنید و بعد به این موضوع فکر

کنید، وضعیتی را در نظر بگیرید که یک دشمن خارجی آمده و بخشی از ایالات متحده را اشغال کرده است، سپس شما موفق می‌شوید که دشمن را از خاک خود بیرون کنید و به محض آنکه دشمن به آن سوی مرزها رفت آیا شما تنها لبخندی زده و خواهید گفت: «خدا حافظ، این مسلماً حرف آخر شما نخواهد بود این چنین برخوردی کاملاً غیر منطقی است.»^{۳۵}

بدین ترتیب کمترین عقل سیاسی حکم می‌کند که انسانی نباید به تجاوز لبخند بزند بلکه تدابیر لازم برای دفع و رفع تجاوز از مسلمات عقل و منطق سیاسی و نظامی است.

پاسخ سؤال سوم

اقدامات برون‌مرزی ما کاملاً با موازین بین‌المللی منطبق بوده است، زیرا ماهیت تجاوز سراسری رژیم عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا به جمهوری اسلامی ایران عیناً با ماده یک قطعنامه تعریف تجاوز^{۳۶} منطبق بوده است، و تا زمان صدور قطعنامه ۵۹۸ هیچگونه تصمیم جدی از سوی مجامع جهانی بویژه شورای امنیت بعمل نیامد. البته شعار صلح‌خواهی در دوران اقتدار دفاعی ایران از سوی مدعیان صلح گوش‌ها را کر می‌کرد اما پیشنهادی که متضمن راه حل عملی و عادلانه باشد از سوی مراجع رسمی مشاهده نگردید، بویژه اغلب با عنصر صداقت و اراده جدی بر حل مناقشه همراه نبوده است.

آیا در آن شرایط غیر منصفانه و فشارهای معنی‌دار حامیان صدام، این حق ایران نبوده است که با اتکال به خدای متعال و سلاح‌های برخاسته از ایمان جوانان خود، پیروزی اراده الهی را بر جنگ افزارهای مادی نشان دهد؟ آیا ترحم بر دشمن بی‌رحمی که روزی بیش‌زمانه به خاک ما حمله ور شد و زن و مرد و کودک بی‌گناه و پیر بی‌پناه ما را به خاک و خون کشید و اینک در کمند قدرت رزمندگان ما گرفتار آمد عادلانه بود؟ آیا ابر دقترهایی که صدام متجاوز را از چنگال انتقام رزمندگان ما بیرون کشیدند به صلح و امنیت جهانی خیانت نکرده‌اند؟

سرانجام قید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ دفاع مشروع را از ما سلب نمود که ابهام در مسئول آغازگر جنگ و ادامه آن از ابتداء مورد سؤال جمهوری اسلامی ایران بوده است.

واکنش دشمن در برابر توان دفاعی ایران و اقدامات سازمان ملل

دشمن که توان رویارویی با رزمندگان اسلام را در جبهه‌های نبرد از دست داد به سیاستی روی آورد که نقض تمامی قوانین بین‌المللی و حقوق انسانی را در پی داشت اینک به عمده‌ترین آن موارد می‌پردازیم:

۱ - عقب‌نشینی از مواضع اشتغالی

دشمن برای نجات نیروهای درمانده خود در برابر ضربات کوبنده رزمندگان اسلام اغلب مناطق را تخلیه و به مرزهای بین‌المللی بازگشت نمود نام این عمل را «عقب‌نشینی تاکتیکی» نهاد.

۲ - تجهیز و سازماندهی گروهک منافق

رژیم عراق با پناه دادن به افراد گروهک منافقین بویژه سران آنها، علاوه بر استفاده جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از داخل به تجهیز و سازماندهی نظامی آنها پرداخت. این سازمان خود فروخته ضمن بمب‌گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی ایران و نخست‌وزیری، که به شهادت شخصیت‌های برجسته‌ای چون شهید دکتر بهشتی و شهید رجائی و شهید دکتر باهنر منجر شد و نیز با ترورهای وحشیانه خیابانی زنان و مردان و کودکان بی‌گناه را به شهادت رساندند تا از این طریق انگیزه مردم را از رفتن به جبهه‌های نبرد تضعیف کنند.

در کنار این جنایات، رژیم عراق قصد داشت که از آنها در جبهه‌های نبرد هم در قالب یگانهای رزمی استفاده کند که با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران زمان آنرا از دست رفته دید، فلذا شتابزده آنها را در قالب عملیات (فروغ جاودان) روانه ایران کرد که همگی در کمند دلاور مردان جبهه‌های نبرد گرفتار آمدند و با ذلت و خواری به هلاکت رسیدند.

۳ - حمله به مناطق مسکونی (جنگ شهرها)

رژیم عراق برای نجات خود از مهلکه‌ای که خود بوجود آورد به هر وسیله‌ای ولو غیر انسانی و مغایر با موازین بین‌المللی متوسل می‌شد از جمله آن حمله به مناطق مسکونی و شهرهای مختلف

ایران بود، تا با ایجاد اضطراب در مردم مانع از حضور آنها در جبهه‌ها شوند و مسئولین جمهوری اسلامی ایران را وادار به قبول صلح تحمیلی نمایند. بطوریکه سخنگوی نظامی عراق در این باره گفت:

هوایماهای جنگی این کشور حملات مهلکی را به شهرهای اهواز، پاوه، آبادان، همدان و ایلام برای سومین روز پیاپی انجام داده‌اند. عراق قول داده است تا زمانی که ایران صلح را نپذیرد به این حملات ادامه دهد.^{۳۷}

جمهوری اسلامی ایران اگر چه بعد از خویشتن‌داریهای لازم و عدم اقدام مؤثر شورای امنیت مقابل به مثل را در حمله به مناطق نظامی، مراکز و تأسیسات اقتصادی دشمن آغاز کرد اما بدلیل پایبندی به اصول اسلامی و احترام به قوانین بین‌المللی هرگز به مناطق غیرنظامی حمله نکرد، جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت جمهوری اسلامی در این باره گفت:

ایران توان انهدام شهر بصره را داراست، اما در اقدام به اصول اسلامی از این کار خودداری می‌نماید، ولی اظهار داشت که توپخانه‌های ما در فاصله ۱۰ تا ۱۲ کیلومتری بصره قرار دارند و ما می‌توانیم این شهر را با مهماتی که خود می‌سازیم منهدم کنیم.^{۳۸}

۴ - حمله به کشتی‌ها و آلوده کردن محیط زیست

رویکرد رژیم عراق به نقض قوانین بین‌المللی تنها با حمله به مناطق مسکونی خلاصه نشد بلکه با زدن کشتی‌های نفتی در آبراه خلیج فارس و نیز چاههای نفتی ایران، باعث اختلال در مسیر کشتیرانی و آلودگی وسیع محیط زیست شد. نشریه الانباء در این باره می‌نویسد:

مسئولین محیط زیست در خلیج فارس اظهار داشتند که صدها تن نفت خام روزانه از دو چاه نفتی ایران به آبهای خلیج فارس نشست می‌کند این امر منجر به تشکیل یکی از بزرگترین لکه‌های نفتی در خلیج (فارس) شده است، یکی از این چاهها در منطقه نوروز در شمال غربی جزیره خارک در دوم مارس توسط نیروهای عراق مورد حمله قرار گرفته و چاه دوم با برخورد با کشتی آسیب دیده است که تاکنون در حدود صد هزار بشکه نفت حداقل به دریا نشست کرده و این امر موجب بوجود آمدن یک لکه

نفتی بزرگ گشته که نگرانی کشورهای خلیج فارس را برمی‌انگیزد.^{۳۹}

نشریه ژون آفریک در مورد عامل این فاجعه عظیم می‌نویسد:

مسبب آن (جنگ نفتکشها) چه کسی است؟ ابتداء عراق و متحدین عربیش. چرا؟ بخاطر شکست در جبهه عراق می‌خواست جنگ را بین‌المللی ساخته و بدین ترتیب به صادرات نفتی ایران لطمه بزند. عراقیها به ناوهای ابرقدرتها حمله نکردند، و همه چیز نشان می‌دهد که این حملات با رضایت کشورهای عربی منطقه صورت گرفته است.^{۴۰}

اقدام شورای امنیت در صدور قطعنامه ۵۴۰

در پی جنایات رژیم عراق مبنی بر حمله مناطق مسکونی و جنگ نفتکشها، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ از دبیر کل وقت سازمان ملل درخواست می‌کند تا یک گروه حقیقت‌یاب برای بازدید مناطق مسکونی مورد حمله عراق اعزام نماید. این درخواست مجدداً از سوی ایران در تاریخ دوم مه ۱۹۸۳ تکرار شد. مضافاً آنکه تأکید کرده بود که چون رژیم عراق نیز ادعای مشابهی در مورد حمله ایران به مناطق مسکونی آن کشور دارد، گروه تحقیق می‌تواند به کشور عراق هم اعزام گردد.

دبیر کل در این زمینه با عراق نیز مشورت کرد و عراق با اعزام گروه تحقیق موافقت نموده و بدین ترتیب، گروه تحقیق از تاریخ ۲۰ مه تا ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳ از دو کشور ایران و عراق بازدید کرد و گزارش خود را تسلیم دبیر کل نمود.

گزارش گروه تحقیق بیانگر ویرانی سنگین مناطق مسکونی در ایران بواسطه نیروی هوایی، توپخانه و حملات موشکی عراق و حاوی خسارت ناچیز مناطق مسکونی در عراق بوده است.

اعضای شورای امنیت پس از اطلاع از محتوای گزارش گروه تحقیق و نیز در پی عملیاتیهای سلسله‌ای رزمندگان اسلام در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲/۸/۹) با ۱۲ رأی موافق و سه رأی ممتنع (پاکستان، نیکاراگوئه و مالت) بدون رأی مخالف قطعنامه ۵۴۰ را به شرح زیر تصویب کرد:

قطعه نامه ۵۴۰

شورای امنیت بعد از رسیدگی مجدد به مسأله «وضعیت بین ایران و عراق» با یادآوری قطعه نامه و بیانیه های گذشته خود که ضمن سایر مسایل، خواستار آتش بس کامل و خاتمه کلیه عملیات نظامی میان طرفها می باشند،

با یادآوری گزارش ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ دبیر کل در مورد هیأت تعیین شده از طرف وی برای بازرسی مناطق غیرنظامی در ایران و عراق که مورد حمله های نظامی قرار گرفته اند و با اظهار قدردانی از دبیر کل به خاطر گزارش دقیق، متوازن و واقع بینانه وی،

همچنین با قدردانی و تشویق در مورد مساعدت و همکاری دولتهای ایران و عراق با هیأت دبیر کل،

و با ابرار تأسف دوباره از درگیری میان دو کشور که منجر به تلفات سنگین مردم غیر نظامی و خسارات بسیار به شهرها، اموال و زیربنای اقتصادی شده است،

«با تأیید مطلوب بودن بررسی واقع بینانه علل جنگ،

۱ - از دبیر کل درخواست می کند به کوششهای میانجیگری خود میان طرفهای ذی ربط به منظور دستیابی به یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد ادامه دهد؛

۲ - کلیه موارد نقض حقوق بین الملل بشر دوستانه، به ویژه نقض مقررات کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو در تمام جنبه های آنها را محکوم می کند و خواستار قطع فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدفهای غیر نظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی می باشد؛

۳ - حق آزادی کشتیرانی و بازرگانی در آبهای بین المللی را تأیید می کند از کلیه کشورها می خواهد که این حق را محترم شمارند و از طرفهای مخاصمه می خواهد کلیه اقدامات خصمانه را در منطقه خلیج فارس از جمله خطوط دریایی، راههای آبی قابل کشتیرانی، تأسیسات بندری، پایانه ها، تأسیسات دریایی دور از ساحل و کلیه بنادری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دریا راه دارند فوراً قطع کنند و به تمامیت ارضی سایر کشورهای ساحلی (خلیج فارس) احترام بگذارند؛

۴ - از دبیر کل درخواست می کند که با دو طرف (مخاصمه) در مورد راههای عملی شدن قطع مخاصمان و تأیید آن، از جمله امکان اعزام ناظران سازمان ملل مشورت کند و نتایج این مشورتها را به شورای امنیت گزارش نماید؛

۵- از هر دو طرف می‌خواهد از هر اقدامی که ممکن است صلح و امنیت و همچنین دریانوردی در منطقه خلیج (فارس) را دچار مخاطره سازد خودداری کنند؛

۶- بار دیگر از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد نهایت خویشن‌داری را به عمل آورند و از هر اقدامی که ممکن است به تشدید و یا گسترش بیشتر منازعه منجر شود خودداری کنند و اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند

۷- از دبیر کل درخواست می‌کند که در مورد اجرای فوری و مؤثر این قطعنامه با دو طرف (مخاصمه) مشورت کند.

در تحلیل و بررسی قطعنامه ۵۴۰ موارد زیر قابل توجه است:

الف - عنوان قطعنامه همچنان اعلام وضعیت میان ایران و عراق است.

ب - این قطعنامه نیز چون قطعنامه‌های قبلی به «توصیه نامه» شبیه‌تر است.

ج - رعایت حق کشتیرانی با توجه به حملات شدید عراق به کشتی‌ها و نفتکشها با این قطعنامه تضمین نمی‌شود.

د - لزوم بررسی واقع بینانه علل جنگ در این قطعنامه قابل توجه است، اما ذکر آن در قسمت مقدماتی قطعنامه بدون اشاره به مکانیسم اجرایی، آنرا فاقد ارزش نموده است.

هـ - علت صدور این قطعنامه عمدتاً بخاطر گزارش هیأت اعزامی دبیر کل جهت بازرسی مناطق غیرنظامی مورد حمله عراق بود، با توجه به حجم حملات سنگین رژیم عراق، شورای امنیت بدون اشاره به محکومیت این رژیم خواهان توقف فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدفهای غیرنظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی شد.

اگر چه در بند ۳ اجرایی قطعنامه ۵۴۰ حق کشتیرانی و بازرگانی آنرا در آبهای بین‌المللی مورد تأکید قرار داده است و از کلیه کشورها می‌خواهد که این حق را رعایت کنند و از طرفیت متخاصم می‌خواهد که بلافاصله به خصومت‌ها در منطقه خلیج فارس من جمله خطوط دریایی، آبراههای قابل کشتیرانی، بنادر، پایانه‌ها تأسیسات دور از ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دریا راه دارند پایان داده و به تمامیت ارضی کشورهای ساحلی احترام بگذارد.

و همچنین در بند (۵) از هر دو طرف می‌خواهد که از هر اقدامی که صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین حیات دریایی در منطقه خلیج فارس را در معرض مخاطره قرار می‌دهد خودداری ورزند.

با این وجود رژیم عراق به حملات خود علیه کشتی‌های تجاری و نفتکشها در خلیج فارس ادامه داد. تا اینکه دبیر کل در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۳ طی گزارشی به شورا از جمله با بیان موارد حمله به کشتی‌ها از افزایش حملات ابراز نگرانی شدید کرد. شورای همکاری خلیج فارس که عملاً به حمایت از رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران وارد میدان شده بودند در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۴ طی شکایتی به شورای امنیت خواستار گردید که شورا علیه تجاوز ایران و نقض حقوق کشتیرانی در خلیج فارس شدت عمل نشان دهد.

شورای امنیت پس از بررسی شکایت در جلسه شماره ۲۵۴۶ مورخ ۱۱/۳/۱۳۶۳ یا ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع (نیکاراگوئه و زیمبابوه) قطعنامه ۵۵۲ را به شرح زیر تصویب کرد.

قطعنامه شماره (۱۹۸۴) ۵۵۲

شورای امنیت، با بررسی نامه مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ نمایندگان بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارت متحده (S/۱۶۵۷۴) که نسبت به حملات ایران به کشتی‌های بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی شکایت نموده بودند،
با در نظر گرفتن اینکه کشورهای عضو متعهد شده‌اند که با یکدیگر در صلح و حسن همجواری بر اساس منشور ملل متحد زندگی کنند،

با تأکید مجدد تعهدات دول در مورد لزوم رعایت اصول و اهداف منشور ملل متحد، و نیز با تأکید بر اینکه کلیه کشورهای عضو متعهدند که در روابط بین‌المللی خود از تهدید و یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور خودداری ورزند،

با توجه به اهمیت منطقه خلیج (فارس) در صلح و امنیت بین‌المللی و نقش مؤثر آن در ثبات اقتصادی جهانی، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به حملات اخیر به کشتی‌های تجاری در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی، با اعتقاد بر اینکه این حملات امنیت و ثبات منطقه را در معرض مخاطره قرار داده و آثار جدی بر صلح و امنیت بین‌المللی دارد،

۱- از کلیه کشورها می‌خواهد تا براساس حقوق بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد را رعایت کنند.

۲- حق کشتیرانی آزاد در آبهای بین‌المللی و خطوط دریایی و کشتیرانی در مسیر کلیه بنادر و تأسیسات کشورهای ساحلی را که طرف مخاصمات نیستند مورد تأکید مجدد قرار می‌دهد.

۳ - از کلیه کشورها می‌خواهد که تمامیت ارضی کشورهایی را که طرف مخاصمات نیستند محترم شمرده، نهایت خویش‌تنداری را از توسل به اقداماتی که ممکن است موجب افزایش مناقشه شود نشان دهند.

۴ - حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی را در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی محکوم می‌سازد.

۵ - خواستار آن است که این حملات بلافاصله متوقف شده و از مداخله در کشتیرانی کشورهایی که طرف مخاصمه نیستند خودداری به عمل آید.

۶ - تصمیم می‌گیرد که در صورت عدم رعایت آن قطعنامه، بار دیگر به منظور بررسی اقدامات مؤثر که منطبق با وخامت وضعیت باشد، جهت اجرای تضمین آزادی کشتیرانی در منطقه مجدداً تشکیل جلسه دهد.

۷ - از دبیر کل تقاضا دارد که در مورد پیشرفت اجرای این قطعنامه گزارش خود را تسلیم دارد.

۸ - موضوع برای بررسی مجدد مفتوح است.

بر این قطعنامه نیز ایرادهای متعددی وارد است از جمله اینکه علت صدور آن، به دنبال انتساب چند حمله به کشتی‌ها به جمهوری اسلامی ایران ثابت نشده بود. حال آنکه در برابر حملاتی که عراق صراحتاً مسئولیت آن را به عهده گرفته بود، شورا عکس‌العمل مناسبی نشان نداد. این موضع بر حق جمهوری اسلامی ایران بود که امنیت در خلیج فارس می‌بایست برای همه برقرار باشد، نه آنکه قائل به تفکیک و ترجیح گردیم.

در مورد کاربرد نام ناقص خلیج به جای نام اصیل و تاریخی خلیج فارس در قطعنامه، که یک سند رسمی سازمان ملل متحد به شمار می‌رود عیبی بزرگ و خلاف عرف حقوقی به شمار می‌آید.

از جمله ایراد وارد به قطعنامه ۵۵۲ این است که روح و مفاد قطعنامه و تصریح محکومیت حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان چنین مستفاد می‌گردد که شکایت اعضای شورای همکاری خلیج فارس مورد تأیید شورای امنیت قرار گرفته است. لذا بدیهی است که این قطعنامه نمی‌توانست کاملاً مورد قبول جمهوری اسلامی ایران واقع گردد - ضمن آنکه اندیشه آزادی رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس مورد حمایت کامل جمهوری اسلامی ایران بود.

۵- کاربرد سلاح شیمیایی

یکی از اعمال زشت و ضدبشری ارتش عراق در جنگ تحمیلی، کاربرد وسیع و متنوع سلاح‌های شیمیایی و میکروبی علیه رزمندگان اسلام بود. ناتوانی ارتش عراق در برابر حملات کوبنده نیروهای جان بر کف اسلام موجب شد که برخلاف کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی در کنار سایر سلاح‌های مرگبار استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی را مورد توجه قرار دهد.

ارتش عراق برای نخستین بار این سلاح در تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۵۹ در منطقه عمومی میمک علیه رزمندگان ما استفاده کرد تا میزان کاربرد آنرا مورد آزمایش قرار دهد و همچنین عکس‌العمل محافل حقوقی و بین‌المللی را محک بزند. هنگامیکه با مخالفت جدی و حتی واکنش ظاهری قدرتهای بزرگ واجه نشد بلکه از جهاتی پنهانی مورد حمایت و تجهیز این سلاح هم قرار گرفت و با جسارت بیشتری جنگ‌افزارهای شیمیایی را علیه رزمندگان اسلام بکار می‌گیرد. بطوریکه استفاده از آن در منطقه عملیاتی خیبر در جزایر مجنون به سال ۱۳۶۲ و عملیات والفجر هشت در سال ششم جنگ تحمیلی در شبه جزیره فاو بسیار محسوس بود.

سکوت معنی‌دار و بی‌توجهی مجامع جهانی ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد موجب شد که صدام همانند سلاح‌های متعارف از جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک در جنگ علیه ایران استفاده کند، تا آنجا که طی هشت سال جنگ تحمیلی ارتش عراق قریب به ۲۵۲ بار از سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و مردم بی‌پناه غیر نظامی استفاده کرده است که موجب شهادت بیش از هزار نفر و مصدوم شدن قریب به پنجاه هزار نفر از دلاوران مردان جبهه اسلام گردید.^{۴۱}

به اعتقاد کارشناسان، رژیم عراق از انواع مختلف گازهای سمی و شیمیایی علیه رزمندگان اسلام استفاده کرده است گازهای تاول‌زا و تحریک کننده اعصاب که حتی در جنگ جهانی اول هم بی‌سابقه بوده است. اما سؤالی که همواره در ذهن می‌ماند آن است که منابع تأمین کننده این سلاح‌ها و نیز تشویق کنندگان رژیم عراق در کاربرد آن چه کشورهایی بوده‌اند؟ و چگونه باید با آنان برخورد اصولی و حقوقی شود؟

منابع تأمین کننده سلاح‌های شیمیایی عراق

اگر چه دلایل زیادی دال بر ارسال تسلیحات و تجهیزات شیمیایی از سوی کشورهای نظیر: شوروی سابق، امریکا، یوگسلاوی سابق، بلژیک، چین، اسپانیا، ایتالیا و شیلی به کشور عراق وجود دارد اما بطور عمده دو کشور آلمان و انگلستان منابع تأمین کننده تسلیحات شیمیایی عراق بوده‌اند.

کشور آلمان تنها کشوری است که نه تنها اسناد الزام‌آور حقوقی دال بر ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی را امضاء کرده است بلکه بر اساس معاهده اصلاحی بروکسل، بازرسی‌های سرزده را از صنایع شیمیایی خود، به وسیله آژانس کنترل تسلیحات اتحادیه اروپای غربی پذیرفته است.^{۴۲} اما با وجود این بنا به گزارش مجله آلمانی «اشترن» دادستانی آلمان در سال ۱۹۸۸ علیه چند شرکت آلمانی که متهم به ارسال و صدور تأسیسات شیمیایی به عراق برای ساخت بمب‌های شیمیایی بودند، اعلام جرم کرد و آنها را تحت تعقیب قرار داد. در این خصوص در سال ۱۹۸۷ در پی سیصد بازرسی دقیق از دفاتر دوازده شرکت آلمانی که مراکزشان در «هامبورگ» و «اشافبورک» و «شیفرستاف» و «اوفنباخ» است. تعداد زیادی مدرک و سند دال بر این صادرات غیرقانونی بدست آمد. مجله مزبور، در این زمینه گزارش داد که دادستانی آلمان توانسته است ضربه سنگینی بر گروهی از شرکتهای آلمانی که سالهای طولانی، مواد و تأسیسات شیمیایی، برای ساخت بمب‌های شیمیایی به عراق صادر کرده‌اند وارد نماید.^{۴۳}

همچنین وزیر خارجه وقت انگلیس اعلام کرد، این کشور کلیه سلاح‌های شیمیایی‌اش را در دهه ۱۹۵۰ از بین برد، اما احتمال اینکه عراق بیش از این از انگلیس اسلحه شیمیایی دریافت کرده باشد وجود دارد. ولی در تاریخ اول اسفندماه سال ۱۳۶۴ یک منبع وزارت خارجه انگلیس فاش کرد انگلیس مقادیری مواد شیمیایی که در ساخت سلاح‌های شیمیایی می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد، به عراق صادر کرده است. مقامی دیگر از همین وزارت، در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در لندن گفت: «پس از اینکه روشن شد مواد صادر شده به عراق برای تولید کود شیمیایی.

-Stein, T, Chemical Warfare, American Society of International
Law - April PP -

می‌تواند برای ساخت سلاحهای کشنده نیز به کار گرفته شود، دولت انگلیس مقررات صادرات مواد شیمیایی به ایران و عراق را سخت‌تر کرد.^{۴۴}

البته دامن سایر کشورهای غربی نیز به نوعی به این جنایت آلوده می‌باشد، اما بدلیل منفور بودن کاربرد سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک در افکار عمومی جهان از قبول این قباحت خودداری می‌کنند. حتی سازمانهای بین‌المللی بویژه اعضای شورای امنیت بخوبی از کاربرد سلاحهای شیمیایی عراق علیه ایران آگاه بودند ولی با سکوت معنی‌دار و عدم تصمیم‌گیری جدی خود در جنایت رژیم عراق سهیم شدند. سرانجام ساز رسوایی آنها در تهاجم عراق به کشور کویت به صدا درآمد و با شکست عراق از نیروهای ائتلاف و خروج این کشور از کویت، کارشناسان سازمان ملل متحد ضمن بازدید از زرادخانه‌ها و کارخانه‌های عراقی به مواد شیمیایی و جنگ‌افزارهای سمی و مهلک دست یافتند، و با این عمل خود صحت ادعای جمهوری اسلامی ایران مبنی بر قربانی شدن توسط سلاحهای شیمیایی عراق را به اثبات رسانند.

دلایل اثبات کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق

دلایل ما در اینکه ارتش عراق در جنگ تحمیلی بطور گسترده از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است فراوان است، اما در اینجا به اهم آنها می‌پردازیم:

۱- اعتراف کشورها و دولت‌ها

دولت و کشورها وقتی بعضی از متحدان رژیم عراق بارها اعلام کرده‌اند که عراق در جنگ با ایران از سلاحهای شیمیایی و میکروبی استفاده کرده است، که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

الف - دولت امریکا در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد، عراق را متهم کرد که در جنگ با ایران از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است و حتی در کنفرانس خلع سلاح ژنو اعلام کرد: وظیفه اسفانگیزی که بر عهده دارد این است که باید گزارش کند شواهد موجود، استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را ثابت نموده است.^{۴۵}

ب - وزیر امور خارجه اتریش در کنفرانس خلع سلاح در وین (۱۳۶۷) اعلام کرد که دلایلی

وجود دارد که عراق در جنگ با ایران از سلاحهای شیمیایی استفاده کرده است.

ج - اعلامیه گروه حقوق بشر پارلمان انگلیسی با صراحت از کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق در جنگ با ایران خبر داد.

پس از حمله عراق به کشور کویت اغلب کشورها و دولت‌ها از این جنایت عراق پرده برداشتند.

۲ - اظهارات دولتمردان عراقی به کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی

مسئولین دولت عراق بطور متناوب به کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ علیه ایران اعتراف کردند که نمونه‌ای از آن عبارتند از:

الف - طارق عزیز در سال ۱۳۶۷ ضمن اعتراف به استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ با ایران با توجه به سرزنش کشورهای اروپایی از کاربرد سلاحهای شیمیایی اظهار داشت: کشورهای اروپایی خود سلاحهای شیمیایی در اختیار کشورهای جهان سوم قرار میدهند، اما هنگام استفاده از این سلاحها بر سر قربانیان اشک تمساح می‌ریزند.^{۴۶}

ب - وزیر امور خارجه عراق در یک کنفرانس مطبوعاتی در بُن، در پاسخ به یک سؤال آشکار اعلام کرد که دولت عراق از سلاحهای شیمیایی در جنگ با ایران استفاده نموده و استفاده خواهد کرد.^{۴۷}

ج - صدام حسین در ملاقاتی با وزیران خارجه عرب که برای برگزاری جلسه‌ای در بغداد به سر می‌بردند، گفته است: که عراق در جنگ از سلاحهای شیمیایی استفاده جزئی کرده است.^{۴۸}

د - «نزار حمدون» معاون وزیر امور خارجه عراق، در یک مصاحبه مطبوعاتی در بغداد گفت: نیروهای عراقی در طول جنگ علیه نیروهای ایرانی، که مانند امواج خروشان عراق را مورد حمله قرار داده بودند علاوه بر سلاح‌های کلاسیک از سلاحهای شیمیایی نیز استفاده کرده است.^{۴۹}

. //

. //

. //

. //

۳- گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد

فاجعه کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی ارتش عراق به جایی رسید که سازمان ملل نتوانست در برابر فشار افکار عمومی جهان بی‌تفاوت باشد، لذا هیأت‌های کارشناسی را در چندین نوبت جهت بازدید و تهیه گزارش به مناطق عملیاتی ایران فرستاد. که نتیجه این گزارش‌ها بیانگر کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی از سوی عراق بوده است. حتی دبیر کل وقت سازمان ملل طی اظهاراتی در شورای امنیت اعلام کرد: «که نتوانسته است از عراق در مورد عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران تعهد بگیرد».^{۵۰}

واکنش سازمان ملل در برابر کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق

جمهوری اسلامی ایران با ارسال چهار نامه در نوبت‌های مختلف به دبیر کل، اعلام نمود که عراق مناطق کردنشین این کشور و شهر حلبچه را مورد حمله شیمیایی قرار داده است و خواستار اعزام هیأت کارشناسی برای بررسی موضوع شد.

«فرانسوا گیلیایی» سخنگوی سازمان ملل، اعزام هیأت کارشناسان این سازمان را به کردستان عراق، امری مشکل تلقی کرد به گفته وی مشکل اول این است که تحقیق مورد تقاضای ایران به حوادثی مربوط می‌شود که در یک نقطه از کردستان عراق که هم اکنون در اشغال نیروهای ایران می‌باشد، روی داده است. سخنگوی سازمان ملل، متذکر شد که برای دبیر کل، مسئله بسیار دشوار است که هیأتی را به درخواست یک دولت، به خاک کشور دیگر بفرستند.

مشکل دوم آن که هنگام انجام آخرین تحقیقات سازمان در خصوص کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق در سال گذشته، «خاویر پرزدکوئیار» دبیر کل سازمان، خود مسئولیت نتیجه‌گیریهای مزبور، هر گونه تحقیق جدید برای جلوگیری از توسل به سلاح‌های شیمیایی، بیهوده و بدون ماهیت خواهد بود؛ زیرا مسأله واقعی در سطح سیاسی مطرح است.^{۵۱}

سرانجام پس از گذشت دو هفته از درخواست ایران، یک گروه کارشناسی که فاقد عضو کارشناس سلاح‌های شیمیایی بوده، به منطقه اعزام شد و نتایج مشاهدات خود را گزارش کرد و

متعاقب آن قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت، مبنی بر محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق و بدون نام بردن از عامل کشتار صادر شد.

قطعنامه ۶۱۲

با توجه به گزارش ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ هیأت اعزامی از طرف دبیر کل برای تحقیق درباره استعمال سلاحهای شیمیایی در منازعه بین جمهوری اسلامی ایران و عراق؛ با ابراز وحشت از نتایج (تحقیق) هیأت که سلاحهای شیمیایی همچنان در منازعه به کار می‌رود و اینکه استفاده از آنها حتی به میزانی شدیدتر از گذشته صورت گرفته است.

۱ - ضرورت فوری رعایت دقیق پروتکل منع استفاده از گازهای خفه کننده سمی یا گازهای دیگر و سلاحهای میکروبی را که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو امضا گردید، تأیید می‌کند.

۲ - استعمال مداوم سلاحهای شیمیایی در منازعه بین جمهوری اسلامی ایران و عراق را که با تعهدات مذکور در پروتکل ژنو مغایر است، بشدت محکوم می‌کند.

۳ - انتظار می‌رود هر دو طرف طبق تعهداتشان در پروتکل ژنو، از به کار بردن سلاحهای شیمیایی در آینده خودداری کنند.

۴ - از کلیه کشورها می‌خواهد که همچنان نظارت دقیق بر صدور مواد شیمیایی که برای تولید سلاحهای شیمیایی بکار می‌رود، به طرفین منازعه اعمال یا برقرار نمایند.

۵ - تصمیم می‌گیرد که موضوع را زیر نظر داشته باشد. و اراده خود را نیز برای بررسی دوباره اجرای این قطعنامه ابراز می‌کند.

قطعنامه ۶۱۲ بدون آنکه از کشورهای خاص به عنوان استفاده کننده سلاحهای شیمیایی یاد کند، برای رسیدگی به دیگر شکایتها. بدان گونه که ایران درخواست کرده بود. مکانیسمهایی را مورد توجه قرار نداده و هیچ اشاره‌ای نیز به نقش دبیر کل در این مورد نکرده است. همچنین منطوق قطعنامه، به صورتی است که تعهد حقوقی الزام‌آوری بر اساس خود قطعنامه شورا برای پیروی از تعهدات ناشی از دیگر منابع حقوق بین‌الملل - یعنی پروتکل ژنو - ایجاد نمی‌کند.^{۵۲} در واقع، شورا

- Mann.H.Arms Control Verification and the United Nations: The Chemical Weapons Experience of the s, C.Y.I.L., P.

عنوان اسناد صادر شده خود را تغییر داده است؛ نه مضمون و محتوای آن را.

با این حال، سه نکته در مورد قطعنامه ۶۱۲ شایان توجه است؛ یکی اینکه از کشورهای ثالث درخواست می‌شود با رعایت تعهدات بی‌طرفی، از صدور عوامل شیمیایی - که در ساخت سلاحهای شیمیایی به کار گرفته می‌شود - به طرفهای مخاصمه خودداری کنند. این امر که در بیانیه‌های قبلی شورا هیچ توجّهی بدان نشده بود، از مسائل بسیار مهم است که ریشه در بند ۲ قطعنامه ۵۹۸ شورا دارد. بر اساس این بند، از تمامی کشورها درخواست می‌شود که منتهای خویشتنداری را از خود نشان داده، از هر گونه عملی که به تشدید و گسترده‌تر شدن بیشتر جنگ منجر می‌شود، به طور جدّی اجتناب ورزند و با این کار، اجرای قطعنامه ۵۹۸ را تسریع بخشند. نکته دیگر، به بند ۵ قطعنامه ۶۱۲ باز می‌گردد؛ «در این بند، شورای امنیت صلاحیت خود را برای بررسیهای بیشتر، مورد تأکید قرار می‌دهد. به علاوه با اشاره به استفاده از این سلاحها، نه فقط در خلیج فارس بلکه به صورت عام و کلی، شورا این صلاحیت را در وسیعترین حدّ ممکن خاطرنشان می‌کند.»^{۵۳}

آخرین مطلب در مورد قطعنامه ۶۱۲ جدا کردن موضوع کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ، از خود جنگ است. این امر، با توجّه به تقدّم زمانی قطعنامه ۵۹۸. که در آن شورای امنیت با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور در بند یک خواستار آتش‌بس فوری و عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی شده بود قدری عجیب و دور از رویه سابق شورا جلوه می‌کند.

در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۲۶ تیر ماه ۱۳۶۷) جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت حفظ جان انسانها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به طور رسمی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفت. پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عراق در تاریخهای ۱۷ و ۱۸ مه، و ۱۶ و ۱۷ ژوئن، از سلاحهای شیمیایی علیه ایران (بویژه غیرنظامیان) استفاده کرد.

بنا به درخواست ایران، هیأت کارشناسی به این کشور اعزام شد و ادّعاهای ایران را مورد تأیید قرار داد. پیش از رسیدگی شورا به گزارش این هیأت، عراق دوباره منطقه «شیخ عثمان» (مجاور شهر اشنویه) را بمباران شیمیایی کرد هیأت اعزامی دبیر کل، دوباره کاربرد سلاحهای شیمیایی علیه شهروندان ایرانی را در منطقه مجاور یک شهر که در برابر چنین حمله‌هایی، فاقد هر گونه دفاع

بودند، مورد تأیید قرار داد. بمباران اخیر، درست هجده روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، صورت گرفت و این امر، با مفاد قطعنامه مغایر بود؛ چرا که عراق آن را در ۲۴ اوت ۱۹۸۷ (۲۳ مرداد ۱۳۶۶) پذیرفته بود.

قطعنامه ۶۲۰

شورای امنیت بر اساس گزارشهای هیأت‌های کارشناسی اعزامی در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۶/۴) قطعنامه ۶۲۰ را صادر کرد که متن آن به شرح زیر است:

شورای امنیت، با یادآوری قطعنامه ۶۱۲ خود و با بررسی گزارشهای ۲۰ و ۲۵ ژوئیه و ۱۹ اوت ۱۹۸۸ (S/۲۰۱۳۴. Add. I, S/۲۰۰۶۳, Add. I, S/۲۰۰۶۰) هیأت‌های اعزامی دبیر کل برای بررسی ادعاهای استفاده از سلاحهای شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق با ابراز تأسف عمیق از نتایج تحقیقات هیأتها مبنی بر اینکه استفاده از سلاحهای شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق تداوم یافته و چنین استفاده‌ای علیه ایرانیان شدت و تکرار پیدا کرده است، همچنین با ابراز نگرانی عمیق از خطر استفاده احتمالی از سلاحهای شیمیایی در آینده، با در نظر گرفتن مذاکرات جاری کنفرانس خلع سلاح درباره ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید و انبار کردن سلاحهای شیمیایی و نیز نابودی آنها، با عزم راسخ جهت شدت بخشیدن به تلاشهای خود برای پایان دادن به هر گونه استفاده از سلاحهای شیمیایی، در حال حاضر و آینده که با تعهدات بین‌المللی مغایر باشد:

۱ - استفاده از سلاح شیمیایی در مناقشه ایران و عراق را که با تعهدات پروتکل ممنوعیت استفاده از گارهای خفه کننده سمی و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو امضا و نیز با قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت مغایر است. بشدت محکوم می‌نماید.

۲ - دبیر کل را تشویق می‌کند که در پاسخ به هر دولت عضو، مبنی بر اتمام استفاده از سلاحهای شیمیایی، باکترولوژیک و سمی و نقض احتمالی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو با دیگر قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل عرفی، بسرعت تحقیقات به عمل آورد تا شواهد را بررسی و نتایج را گزارش نماید.

۳ - از تمامی دولتها می‌خواهد که بر صادرات محصولات شیمیایی که می‌تواند برای تولید سلاح شیمیایی به کار گرفته شود، نظارت شدیدی اعمال کنند، بویژه در مورد کشورهای درگیر، و

بخصوص زمانی که استفاده آنها از سلاحهای شیمیایی در مغایرت با تعهدات بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته، یا شواهد مقتضی دال بر این امر در دست باشد.

۴ - تصمیم می‌گیرد که با توجه به تحقیقات دبیر کل، در صورت ارتکاب هر گونه استفاده از سلاحهای شیمیایی در آینده در مغایرت با حقوق بین‌الملل، از سوی هر کس و هر زمان، مسأله را بسرعت مورد بررسی قرار داده و مطابق با منشور ملل متحد، اقدامهای مناسب و مؤثری را اتخاذ نماید.

قطعهنامه ۶۲۰ جدای از نقایص اساسی، مهمترین سندی است که شورای امنیت در طی هشت سال استفاده مکرر عراق از سلاحهای شیمیایی علیه افراد غیر نظامی و نظامی ایران صادر کرده است. در این قطعهنامه، شورا برای اولین بار، کاربرد سلاحهای شیمیایی را به طور تلویحی، نتیجه عدم پیشرفت مذاکرات درباره خلع سلاح شیمیایی دانست و مذاکرات جاری در کنفرانس خلع سلاح در مورد ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید و انبار کردن سلاح شیمیایی و نیز نابودی آنها را مدّ نظر قرار داد.^{۵۴}

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

مقاله: دفع تجاوز

نویسنده: دکتر اسماعیل منصور لاریجانی

منبع: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس